

گزارش «قاب کوچک» از پشت صحنه مجموعه تلویزیونی «خوب، بد، زشت»

لطایف خانوادگی «آقاسیفی» در نوروز ۹۳

صفحات ۱۲ و ۱۳

جشن رسانه و ملت

احمد رضا علیزاده

این روزها، همه جاسخن از جشن است؛ جشنی که مردم ۳۵ سال پیش آن را پس از سال‌ها صبر و مبارزه به پا کردند تا پیروزی یک حماسه را به یکدیگر شادباش بگویند. جشن انقلاب، اما یارانی داشت که هیچ‌وقت مردم را تنها نگذاشتند. رادیو و تلویزیون از همان روزها و سال‌ها، یار مردم بوده و هست. سال‌های بعد از رقم‌خوردن حماسه، سال‌های سخت دفاع و بعد از آن، در همه روزهای تلخ و شیرین این انقلاب سی و پنج ساله، پیوند مردم با رسانه‌ملی از جنس اعتماد بوده است.

در همان سال‌ها، رسانه‌هایی بودند که بیگانگان دست و پا کرده و موج‌های رادیویی که در سال‌های انقلاب و دوران جنگ، در اندیشه‌های شکست و ناامیدی برمی‌آمدند، اما آن رسانه‌ها، تاریخ مصرف کوتاهی داشتند، زیرا دست‌گردانندگان زودرومی‌شد. در همه آن سال‌ها و سال‌های اخیر، بودند رسانه‌های مکتوبی که سعی داشتند تفکر جامعه را از سمت انقلاب به سمت ضد آن ببرند اما باز، میج آنها هم باز می‌شد و نیرنگ‌شان به جایی نمی‌رسید. بتازگی هم که ماهواره و فضای مجازی به این جنگ آمده‌اند، باز نمی‌توانند نظر توده مردم را به خود جلب کنند. علت همه این شکست‌ها و ناتوانی‌ها در یک چیز نهفته است و آن صلابت یک رسانه به عظمت ملت است. رسانه ملی در همه این دوران سخت و پرفراز و نشیب آن قدر مردمی بودن خود را ثابت کرده که حتی آنها را که گاه رو برمی‌گرداند، نمی‌تواند از خود جدا کند. رادیو و تلویزیون ما شاید خصوصی نباشد، اما از ده‌ها شبکه خصوصی دنیا مردمی‌تر است. رسانه‌ای که هیچ چیز را فدای باور، عرف و اعتقادات جامعه نکرده است. رسانه‌ای که برای جذابیت اصول شرعی و دینی را زیرپا نگذاشته و بالطبع، مخاطبانش را به زیرپا گذاشتن اصول دعوت نمی‌کند. رسانه‌ای که مروج ابتلال نبوده که آن را همیشه زیرسوال برده است.

فراموش نکنیم بقاء، صلابت و اوجگیری رادیو و تلویزیون در سال‌هایی اتفاق افتاد که شاید خوشبینانه‌ترین افراد هم امیدی به بقای رسانه نداشتند و خیلی‌ها تصور می‌کردند عمر رسانه ملی نمی‌تواند بیش از چند سال باشد، اما از آنجا که گاهی عدا سبب خیر می‌شود، وقوع اتفاقات و نقطه‌های عطف دوران انقلاب و جنگ تحمیلی سبب شد پیوند مردم با رادیو و تلویزیون، مستحکم‌تر باشد. شنیدن خبرهای خوش دوران دفاع مقدس از رادیو و تلویزیون، پیروزی را در اجزای پیکر ملت تقسیم می‌کرد. اشک‌هایی که مردم همراه با رسانه ملی برای اتفاقات تلخ می‌ریختند، نشانه همدلی و غمخواری ملت و رسانه بود. دیگر کار از کار گذشته بود، زیرا اعتماد و صداقت رسانه ملی توانسته بود دل مردم را به دست آورد و این همان چیزی بود که دشمن از آن بیم داشت و هنوز هم این هراس وجود دارد.

رسانه ملی، توسعه را کلید بازشدن قفل‌های پیش‌رو قرار داده است. توسعه کمی شبکه‌های مختلف سیما که در سال‌های اخیر شاهد وقوع آن بوده‌ایم، اگر بتواند با توسعه کیفی و جذب نیروی انسانی خلاق و جوان و پویا همراه شود، قطعاً می‌تواند در دنیایی که رسانه‌های مهاجم، قلاب‌های خود را برای صید مخاطبان کشورهای در حال توسعه و اسلامی (مشخصاً ایران) روانه این آب و خاک می‌کنند، حرف‌های زیادی برای گفتن داشته باشد.



آزاده زارعی / فرورفتن در نقش سیندرلا



آزاده زارعی که به خاطر بازی در سریال «آوای باران» نزد مردم به سیندرلا معروف شده درباره واکنش مردم نسبت به نقش باران گفته است: مردم خیلی دلشان برایم سوخته است. همه فکر کردند واقعا من در همین زندگی هستم. حتی من به یکی از بچه‌های آشنایمان هدیه‌ای دادم. او من را ندیده بود، ولی گفته بود به سیندرلا بگویند چون گداست و پول ندارد این هدیه را من از او نمی‌گیرم. حتی گفته بود حالا که این هدیه را به من داده دعوتش کنیم بیاید ناهار بخورد تا حداقل گرسنه نماند. این برای من خیلی حس عجیبی داشت که شخصیتی را بازی کنی که یک بچه کوچک این قدر از آن تأثیر بگیرد. زارعی که اولین تجربه بازیگری‌اش را در این سریال پشت سر گذاشته، درباره علاقه مردم به دانستن پایان این سریال گفته است: همه حتی افراد نزدیک از من پرسیدند آخر داستان چه می‌شود، ولی من نه می‌خواهم و نه اجازه دارم بگویم. مدتی پیش ماشین من را دزد زده بود و وقتی زنگ زدم، پلیس ۱۱۰ آمده بود و گفت باران و اصرار کرد پایان سریال را برایش تعریف کنم. گفت فقط بگو آخر قصه باران به فرید می‌رسد؟ گفت من نمی‌توانم بگویم.

الهام چرخنده: سریال ترکیه‌ای اصلا ندیده‌ام



الهام چرخنده، ایفاگر نقش زیور در سریال «آوای باران» که این روزها «...وا» گفتنش به تکیه کلامی رایج بین برخی مخاطبان تلویزیون بدل شده است، درباره این تکیه کلام گفته: «زیور» از یک شهر دورتر از پایتخت آمده و معمولاً افرادی مثل زیور تکیه کلام‌های خاص خودشان را دارند. با توجه به این که زیور عملکرد منفی دارد و شخصیتی خاکستری است، دلم نمی‌خواست که یک منفی محض به نظر بیاید، بنابراین وقتی که زیور خلق شد، احساس کردم یک جایی در این تعجب‌هایش اصلا نمی‌گذارد کسی حرف بزند. گاهی توی حرف‌شان می‌رود و هوچی است. تنها چیزی که احساس کردم زنانه است همین کلمه «...وا» بود که این روزها تکیه کلام بسیاری شده است. چرخنده که به بازی در نقش‌های سخت و عمدتاً منفی مشهور است و در فیلمی نقش رئیس منافقان را بازی کرده، با اشاره به این که بسیاری آوای باران را با فیلم‌های هندی مقایسه می‌کنند، گفته است: حداقل این فیلم‌های هندی بهتر از سریال‌های ترکیه‌ای است. هر کاری که زنجیر به پایم ببندد و مرا عادت دهد، انجام نمی‌دهم زیرا می‌دانم پشت این قضایا یک روح منفی جمعی و تهاجم فکری وجود دارد؛ بنابراین هرگز به سراغ سریال‌های ترکیه‌ای نخواهم رفت و اصلا ندیده‌ام.

سحر زکریا: در نقش‌های جدی بهترم



سحر زکریا، یکی از بازیگرانی است که بسیاری او را به عنوان بازیگر سریال‌های طنز می‌شناسند. او که تجربه حضور در سریال‌های «پاورچین»، «مرد دو هزار چهره» و «قهوه تلخ» به کارگردانی مه‌رمان مدیری را در کارنامه خود دارد و این روزها هم مجموعه طنز «شوخی کردم» با بازی او در شبکه نمایش خانگی توزیع شده است، با ابراز نارضایتی از حضور در کارهای طنز گفته است: چندان از نقش‌های خود در فیلم‌ها و مجموعه‌های طنز راضی نیستم و فکر می‌کنم در نقش‌های جدی بهتر ظاهر می‌شوم، اما متأسفانه به دلیل حضور در آثار طنز، کمتر پیشنهاد بازی در نقش‌های جدی به من داده می‌شود. من به عنوان یک بازیگر از طریق بازی در آثاری که به من پیشنهاد می‌شود، امرار معاش می‌کنم و مجبور به بازی در کارهایی که به من پیشنهاد می‌شود، هستم. زکریا که در سینما هم فعالیت دارد و «زنان ونوسی»، مردان مریخی» آخرین کاری بود که با بازی او در سینماها به نمایش درآمد، درباره کم‌کاریش گفته: آنچه پیشنهاد می‌کنند از نظر دستمزد چندان راضی‌کننده نیست. به همین دلیل مدتی است از پذیرفتن کار چه در تلویزیون و چه در سینما سر باز می‌زنم و حاضر نیستم در هر مجموعه و تله‌فیلمی بازی کنم. سحر زکریا بتازگی بازی در دو تله‌فیلیم «دیوار» و «رویای خواب» را به پایان رسانده است.

جهانبخش سلطانی / روایت از شکاف بین نسل‌ها



جهانبخش سلطانی که اسمش مساوی با یادآوری سریال «سرنخ» در ذهن مخاطبان است، این روزها منتظر خرید و توزیع اولین فیلم خود با نام «زمانی برای شکفتن» ازسوی شبکه نمایش خانگی است. زمانی برای شکفتن، درباره شکاف بین نسل‌هاست و سلطانی درباره داستان آن به خبرگزاری مهر گفته است: فیلم به نوعی مضمون فیلم «آواز گنجشک‌ها» ساخته مجید مجیدی را دنبال می‌کند و این که فرزندان حرف والدین را گوش نمی‌دهند. این نسل خصمانه و عجولانه برخورد نمی‌کند و به پدر و مادر خود احترام می‌گذارد، اما با آنها ارتباط هم برقرار نمی‌کند، چون عصر دیجیتال است و دست بچه‌ها همیشه یک تبلت یا وسیله کامپیوتری دیگر است و با آن دنیای خود را می‌سازند، در نتیجه این نسل خیلی از ما جلوتر است و به دلیل این جلوتر بودن با مسائلی ارتباط برقرار می‌کنند یا چیزهایی را می‌شنوند و می‌بینند که ما فرصت دیدنشان را نداریم. مجموعه شانه دوست و یوسف پیامبر از آخرین کارهایی است که با بازی جهانبخش سلطانی از رسانه ملی پخش شده است.

رضا یزدانی / درد سر استفاده از لباس چرمی



رضا یزدانی، خواننده پاپ که هفته گذشته در برنامه «رادیو من» رادیو جوان حاضر شده بود درباره پوشیدن لباس چرم در کنسرت‌هایش که ذهن بسیاری را به‌خود مشغول کرده است، گفت: عده‌ای انتقاد می‌کنند چرا من از محصولات چرمی در کنسرت‌هایم استفاده می‌کنم و این به نوعی بی‌احترامی به حیوانات و محیط‌زیست است و به قول معروف انتقاد محیط‌زیستی از پوشش من می‌کنند. من در پاسخ به این عزیزان می‌گویم مگر ما کباب نمی‌خوریم؟ مگر گوشت استفاده نمی‌کنیم؟ پس به هر حال ما داریم از دام و طیور استفاده می‌کنیم. حالا که همه گونه استفاده‌ای از گاو و گوسفند می‌کنیم، چرا پوست آنها را دور بریزیم؟ چرا پوست این گاو و گوسفند را به یک لباس زیبا تبدیل نکنیم؟ اگر قرار است به محیط‌زیست آسیب‌نزنیم باید حتی سعی کنیم در مصرف گوشت این حیوانات نیز تجدینظر کنیم. این خواننده پاپ که خواندن آهنگ تیتراژ مجموعه «مهرگ تدریجی یک رویا» و «قلب یخی» را در کارنامه خود دارد و در فیلم «طهران طهران» نیز ایفای نقش کرده است، در عین حال گفته: بنده به آنها که از چرم پوست روباه یا دیگر حیوانات برای ساخت لباس استفاده می‌کنند اعتراض دارم و معتقدم نباید از حیواناتی از این دست برای ساخت لباس استفاده کرد. ما گاو و گوسفند را برای خوردن گوشتش پرورش می‌دهیم. پس اگر به جای دور ریختن پوستش، آن را به لباس زیبا تبدیل کنیم، اشکالی ندارد.

مجید صالحی / دست و پنجه نرم کردن با مشکلات قلبی



مجید صالحی که شنبه شب بیست و هشتم دی‌ماه برای چندمین بار دچار مشکلات قلبی شده بود، از بهبود وضع جسمی‌اش خبر داد. بازیگر مجموعه «مجید دل‌بند» درباره دلایل بیماری قلبی‌اش گفته است: بخشی از کسالتی که طی این چند مدت برایم پیش آمده به خاطر فشار کاری بوده است، چون صبح‌ها سر فیلمبرداری و شب‌ها مشغول اجرا روی صحنه تئاتر بودم و امتحانات دانشگاهم نیز آغاز شده بود و باید خودم را برای آنها آماده می‌کردم. این روزها سریال «باغ سرهنگ» با بازی صالحی از آنتن شبکه تهران پخش می‌شود و نقشی که صالحی بازی کرده بیننده را یاد عزت‌الله انتظامی می‌اندازد. او درباره شباهت نقشش به عزت‌الله انتظامی بیان کرده است: قرار بود شخصیت روح سرهنگ در این سریال یک فرد تهرانی اصیل با لهجه تهرانی باشد که این شخصیت ناخواسته شباهت‌هایی چه در بازی و چه گریم به آقای انتظامی پیدا کرده است. البته در نهایت باز هم تاکید می‌کنم این شباهت در بازی باعث سعادت من است. فیلم سینمایی «نازنین» آخرین فیلمی است که از این بازیگر در سینماها اکران شده است.

جلیل سامان، نویسنده و کارگردان «ارمغان تاریکی»:

فیلمنامه خوب ارزش جنگیدن دارد

رکسانا قهرایی

مجموعه تلویزیونی «ارمغان تاریکی» در سومین دوره جشنواره تلویزیونی جام جم خوش درخشید و در ۱۵ بخش، نامزد دریافت جایزه شد و از این میان، هشت سرو زرین را از آن خود کرد. این سریال که کارگردانی و نویسندگی آن را جلیل سامان به عهده داشته است، داستان یک دانشجوی عکاسی به نام مجید است که از سوی گروهی سیاسی مورد اعتماد قرار می‌گیرد و مأموریت مهمی به وی واگذار می‌شود. سریال ارمغان تاریکی بن‌مایه‌ای عاشقانه دارد که به گفته کارگردان و نویسنده‌اش در بستر تاریخی و سیاسی روایت می‌شود. با جلیل سامان به بهانه موفقیتش در جشنواره جام جم گپ زده‌ایم.

به‌عنوان کارگردان و نویسنده اثر که در واقع خلق قصه و نحوه پیشبرد آن را به عهده داشتید، دلیل یا دلایلی اصلی موفقیت ارمغان تاریکی را چه می‌دانید؟
فکر می‌کنم قصه مهم‌ترین رکن یک کار داستانی است. من برای قصه هم در مرحله تحقیق و هم پرداخت وقت زیادی صرف می‌کنم. بخشی از جذابیت کار هم به موضوع برمی‌گردد. ۳۰ سال بود که رسانه در قبال سازمان منافقین سکوت کرده بود یا دست کم نتوانسته بود با توجه به وجوه انسانی آدم‌ها، قصه‌ای از سازمان بگوید. اگر دقیق‌تر بخواهم بگویم جذابیت کار به پرداختن به کهن الگویی برمی‌گردد که مخاطب جای آن را در تلویزیون خالی می‌دید. اغلب قصه‌ها به خیانت و از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌پردازند، اما ارمغان تاریکی به یک عشق آرمانی.

در سریال ارمغان تاریکی از خلال ماجرای عاشقانه به انقلاب اسلامی پل می‌زنیم. برای شما یک روایت تاریخی اولویت داشته است یا بسط داستانی عاشقانه؟

قطعا داستان عاشقانه در اولویت بوده است، اما در بستری لازم. بستر لازم برای این قصه هم تاریخ و سیاست بود، زیرا هیچ داستانی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. **داستان عاشقانه ارمغان تاریکی اگرچه پرکشش است، اما ممکن است فداکاری کاراکتر اصلی (مجید) برای مخاطب کمی غیرقابل باور به نظر برسد. این شدت رابطه عاشقانه به چه منظوری به داستان تزریق شد؟**
اگر قابل باور نبود، که کار من تمام شده بود. من با نظر شما موافق نیستم. فداکاری برای شخصیتی که طراحی شده نه فقط باورپذیر، بلکه ناگزیر بود. مجید خود مسبب این وضع شده بود و حالا باید کاری می‌کرد کارستان،

مردم در قاپ

روجا ساسان

روز خود را با بررسی اخبار و گزارش‌های فرهنگی و هنری آغاز می‌کند. زندگی‌اش بر مدار روزآمدی می‌چرخد. تمایل دارد در جریان اتفاقات هنری باشد. برای خودش برنامه‌ریزی خاصی را مقرر کرده است. این که در ماه دست کم چند بار به گالری‌های هنری سر بزنند، یک یا دو نمایش را تماشا کند و فیلم‌های روز سینما را آن هم در سالن‌های اکران ببیند. از طرف دیگر سینمای سایر کشورها را با تماشای فیلم‌های آن و بررسی سایت‌های خبری‌اش دنبال می‌کند.

چند سالی است در یکی از آموزشگاه‌های بازیگری دوره دیده و در دو فیلم تلویزیونی به ایفای نقش پرداخته است. البته نقش‌هایش در این دو اثر چندان پررنگ نیست و به دلیل یک‌بار پخش از تلویزیون آن‌طور که باید دیده نشده و مورد توجه قرار نگرفته، اما همیشه به خاطر نقش کوتاهش در این دو فیلم مورد تحسین دوستانش قرار می‌گیرد.

او همچنین ایفای یکی از نقش‌های اصلی تئاتری



جلیل سامان، نویسنده و کارگردان «ارمغان تاریکی»

اما اگر بخواهیم نسبت به آدم‌ها و زوج‌های جامعه امروز او را بسنجیم بله مردی مثل مجید کم داریم و البته زنی هم که ارزش فداکاری داشته باشد، زیاد نیست.

فضای غمبار سریال بر رنگ‌بندی، تصویربرداری و تدوین کار هم حاکم است. به نظر‌تان این تیرگی به لحاظ بصری چقدر در هدایت مخاطب به گذشته تأثیر داشت؟

تیرگی فقط مربوط به فضای غمبار نبود. شخصیت‌ها در نور خوب و لازم قرار داشتند. نور خوب نوری است که به بیرون ریختن زوایای پنهان احساس شخصیت کمک می‌کند. کاری که بقیه اجزا هم کرده‌اند، بخصوص موسیقی متن. آنچه فضای کار را باورپذیر می‌کرد توجه به جزئیاتی بود که اغلب هم‌کاران معتقدند بیننده نمی‌بیند. در واقع وقتی برای دقت و توجه بیننده قلبا احترام بگذاریم، یعنی معتقد باشی بیننده متوجه می‌شود دو اتفاق مهم در فیلم می‌افتد؛ اول آن که مجبوری دقت بیشتری در جزئیات داشته باشی و اتفاق دوم این که بیننده متوسط و کم‌هوش‌تر را هم پیش می‌بری، توقعاتش را بیشتر می‌کنی و سطح استاندارد کار را بالا می‌بری. فقط احترام به شعور مخاطب کافی است که همه کارشان را بهتر انجام بدهند.

و این سریال از نظر منطقی بعد از سریال بدی شما (پروانه) قرار می‌گیرد یا قبل از آن؟

هرچند پروانه بعد از ارمغان تاریکی ساخته شد، اما از نظر تاریخی ارمغان تاریکی بعد از پروانه است. رابطه ساختاری تری هم وجود دارد. مجید عاشق است و در انتها عاقل‌تر می‌شود، اما امیر از ابتدا عاقل است بعد عاشق می‌شود. اگر دقت کنید تعریف دقیقی از تاریخچه و وقایع سازمان مجاهدین و منافقان در هر دو کار وجود

دارد و این دو فیلم‌نامه‌های دیگران را کار کنم البته فیلم‌نامه‌های خوششان را. اما هنوز کسی این افتخار را به من نداده است. هرچند اعتراف می‌کنم باید دغدغه‌های خود را در فیلم‌نامه پیدا کنم. من اعتقاد دارم باید سراغ متنی رفت که ارزش جنگیدن داشته باشد و ارزش مردن سر صحنه‌اش را.

یک هنر دوست واقعی

حرفه‌ای را به عهده داشته و از طرفی تجربه بازی در چند تئاتر دانشجویی را پشت سر گذاشته است. در ضمن خودش هم یک تئاتر دانشجویی را کارگردانی کرده، اما از وضع فعلی‌اش احساس رضایت نمی‌کند و دائم به مقایسه خودش با دیگران می‌پردازد. سارا به این فکر می‌کند که اگر در کارش جدیت بیشتری به خرج می‌داد دست‌کم حالا بازیگری شناخته شده بود و پیشنهادهای تلویزیونی و سینمایی زیادی به سراغش می‌آمد. سارا معتقد است در این حرفه آنچه او را به نتیجه می‌رساند اطلاع داشتن از تمام جریان‌ها و اتفاقات هنری روز است و یک هنرمند بویژه در حوزه بازیگری باید بداند چه زمانی و در کجا چه هنرهایی در حال خلق یا عرضه به مخاطب است. به همین دلیل اخبار رادیو، تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی را کاملا دنبال می‌کند. با برخی هنرمندان در ارتباط است و از آنها برای پیشرفت شخصی‌اش کمک می‌خواهد. عضو چند کانون هنری است و گاهی در جلسات و نشست‌های نقد فیلم و امثال آن شرکت می‌کند. سارا دوستانی هم در

حوزه شعر و ادبیات دارد و خودش نیز دست به قلم است و یک جلسه در ماه به دیدار دوستان ادبی خود می‌رود. او به نوعی در دایره‌ای از شبکه‌های دوستی، اجتماعی و رسانه‌ای حضور دارد و سعی می‌کند به تناسب در هر کدام فعالیت داشته باشد. در این میان نقش تلویزیون به‌عنوان گسترده‌ترین رسانه جمعی در زندگی او مهم‌تر است، چراکه این جعبه کوچک، آغازگر ارتباطات برای قرار گرفتن در بطن رویدادهای هنری است. سارا می‌داند آنچه تلنگر شروع فعالیت او برای پیوستن به یک گروه جدید یا حضور در یک مراسم فرهنگی است، تماشای برنامه‌های تخصصی مربوط به این حوزه یا دریافت اطلاعات و اخبار آن است که در طول روز بارها در تریبون تلویزیون اعلام یا در برنامه‌های رادیویی به آن اشاره می‌شود. او همچنین از طریق تلویزیون هنرنمایی و بازی سایر دوستان و همکاران خود را می‌بیند و از تجربه پیشکسوتان بهره می‌گیرد. دوستان سارا نیز این ویژگی او را بخوبی می‌شناسند و معتقدند اگرچه او در بازیگری نتوانسته موفقیت‌های چندانی کسب کند، اما یک هنردوست کاملا موفق است.

نقش رسانه در کاهش آسیب‌های اجتماعی

وحید قاسم‌پور

رسانه به عنوان پرنفوذترین پدیده فرهنگی می‌تواند از طریق اقتناع و تأثیر بر نگرش‌ها به انتقال مفاهیم و آموزش هنجارها بپردازد. رسانه کارکردهای مثبت و منفی دارد که اگر بخواهیم از منظر مسائل و آسیب‌های اجتماعی به آن نگاه کنیم، علاوه بر این که تأثیر مثبت آن مشهود است گاهی کارکرد منفی رسانه نیز می‌تواند به انحراف منجر شود که این موضوع خود عوامل تأثیرگذار آسیب‌های اجتماعی در پی دارد. تلویزیون، رادیو، سینما، ماهواره، اینترنت، مجلات، کتب و... در زمره رسانه‌های جمعی می‌تواند نقش بسیار تأثیرگذاری در حیات اجتماعی و مشخصا برون رفت از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد.

تعمیق اندیشه‌های دینی و تبیین فرهنگ، ترویج قانون، هنجارهای زندگی، سبک و سیاق‌های تازه، شکل‌گیری فکر و عقیده، کنترل اجتماعی و... از کارکرد رسانه است. رسانه‌ها به‌دلیل ارتباط با طیف گسترده‌ای از افراد جامعه، قابلیت دارد در بسیاری موارد بر رفتارها و بعضا نگرش‌های آنها تأثیرات عمیق و بنیادین داشته باشد. پیام‌های انتقال داده شده توسط این ابزار قدرتمند و پرنفوذ باعث متعادل کردن روابط انسان‌ها و شکل‌دهنده اعمال آنها در عرصه حیات فردی یا اجتماعی می‌شود. انتقال مفاهیم اخلاقی توسط رسانه‌ها می‌تواند وسیله‌ای برای هدایت افراد جامعه در پیروی از قوانین و هنجارها باشد و در مقابل با کوچک‌ترین لغزش و انحراف می‌تواند افراد را به ارتکاب جرم ترغیب کند. پس می‌توان گفت رسانه نقش تنویر یا تشویش افکار عمومی را به عهده دارد.

اما یکی از زمینه‌های آسیب‌زای رسانه‌ها بویژه رسانه‌های غربی، آمیختگی آنها با سیاست است. سیاست‌های غلط رسانه‌ها با تحت‌تأثیر قرار دادن مسائل سیاسی خود را نشان می‌دهد. به محض این که در رسانه‌ها سیاست دغدغه باشد، شاهد فراموشی و نپرداختن کامل به مسائل اجتماعی خواهیم بود و مصداق آن سیاست‌های غلط رسانه‌ها در غرب است. دکترین رسانه‌های غربی به سمت تمایلات و خواسته‌های شهوانی پیش می‌رود و به ادعای آنان، تنظیم برنامه‌های رسانه‌ای بر اساس امیال مردم شکل می‌گیرد. یعنی اگر خواسته مردم دچار انحراف شد ما هم آنها را به انحراف تشویق می‌کنیم! از این رویکرد می‌توان فهمید اغلب رسانه‌ها در غرب، سطح فکر اجتماعی را به پایین‌ترین مرحله اخلاقی رسانده است در حالی که آنها داعیه هدایت افکار عمومی و ارشاد خلق را هم دارند!

اما در مواجهه با حیات اجتماعی، اخلاق اسلامی دکترین هنجارهای اجتماعی در کشور ماست و این خط قرمز رسانه‌های وطنی به شمار می‌رود. اگر رسانه‌ای از این خط تخطی کند مروج آسیب‌های اجتماعی خواهد بود و در مقابل اگر رسانه‌ای همسو با این دکترین باشد، در برون‌رفت جامعه از آسیب‌ها تأثیرگذار است.

نگاه آرمانی به رسانه و مشخصا سیاست‌گذاران و برنامه‌سازان در چهتی است که با پرداختن بیشتر به مسائل اجتماعی و تعامل هر چه بیشتر با نهادهای متولی مسائل و آسیب‌های اجتماعی، تجزیه و تحلیل زیرساخت‌ها و ارائه نسخه‌های کاربردی و دور از فرافرکنی، مسائل اجتماعی از حیاط خلوت به متن آورده شود و تحت کنترل قرار گیرد، زیرا کوتاهی و کارکرد نامناسب رسانه، خود می‌تواند موجب ریشه‌دار شدن آسیب‌های اجتماعی شود.

داستان در جایی متولد می‌شود که دو حوزه عینی و ذهنی با هم تماس حاصل می‌کنند و قهرمان همان چیزی را طلب می‌کند که خارج از دسترس اوست. او آگاهانه یا ناخودآگاه تصمیم می‌گیرد عمل خاصی را انجام دهد آن هم بر اساس این فکر یا احساس که این عمل واکنشی را از سوی دنیای خارجی بر می‌انگیزاند و او را یک گام به هدف خود نزدیک تر می‌کند. بنابر دیدگاه ذهنی قهرمان، عمل او حداقل کار ممکن و محافظه کارانه است، اما برای هدفی که دنبال می‌کند، کافی است. بنابراین به محض این که دست به کار می‌شود، حوزه عینی، زندگی درونی، روابط فرد یا دنیای فرافردی او یا ترکیبی از همه آنها به نحوی واکنش نشان می‌دهد که یا شدیدتر یا متفاوت با انتظارات اوست. واکنش جهان خارج، راه قهرمان را در رسیدن به مقصود سد کرده و او را بیش از پیش از هدف خود دور می‌کند. کنش قهرمان به جای این که همراهی و همکاری جهان پیرامون او را جلب کند، باعث برانگیختن نیروهای متخاصم می‌شود؛ نیروهایی که میان انتظارات ذهنی او و نتیجه اقدامش، میان چیزی که فکر می‌کرد روی دهد و آنچه در واقع روی داد و میان آنچه احتمال می‌داد روی دهد و آنچه جبراً به وقوع پیوست، شکاف ایجاد می‌کند.



هر آدمی در هر لحظه آگاهانه یا ناخودآگاه بر اساس آنچه احتمال روی دادنش را می‌دهد، دست به عمل می‌زند. همه ما فکر می‌کنیم یا دست‌کم امیدواریم که خودمان، نزدیکانمان، جامعه و جهان خارج را می‌شناسیم. رفتار ما متناسب با اعتقادی است که درباره حقیقت خودمان، نزدیکانمان و محیط پیرامونمان داریم، اما این حقیقتی است که نمی‌توانیم آن را به طور مطلق بشناسیم و در واقع چیزی است که فکر می‌کنیم حقیقت دارد. همچنین ما فکر می‌کنیم آزادیم هر تصمیمی بگیریم و هر کاری بکنیم که ریشه در تجربیات ما دارد، بنابراین تصمیم ما در عمل مبتنی است بر واکنش احتمالی جهان خارج در برابر آنچه ما بر اساس تجربیات قبلی مان پیش‌بینی می‌کنیم، اما ممکن است به ضرورت بی‌توجه باشیم؛ یعنی همان چیزی که پس از عمل ما روی می‌دهد.

در واقع هر آنچه درباره زندگی واقعی صادق است در داستان هم صحت دارد. وقتی ضرورت عینی با آنچه شخصیت احتمال می‌دهد در تضاد باشد، ناگهان شکافی در واقعیت داستان ایجاد می‌شود. این شکاف محل برخورد دو نقطه عینی و ذهنی و تفاوتی میان پیش‌بینی و نتیجه است. میان جهان آن طور که شخصیت پیش از اقدام به کنش می‌پنداشت و حقیقتی که در عمل وجود دارد.

این شکاف در داستان مخاطب را به تلاش برای جمع کردن توانایی‌هایش برای مقابله با آن می‌داند. در نتیجه او به کنش دومی اقدام می‌کند تا قابلیت‌های انسانی خود را بیش از پیش به کار گیرد و همین مساله هم او را در معرض خطر شکست قرار می‌دهد. این کنش همان چیزی است که مخاطب ابتدا به انجام آن تمایلی ندارد و اراده بیشتری را طلب می‌کند. در این لحظه مخاطب دچار چالشی خودساخته اما برآمده از داستان شده است که مقصود نویسنده را تأمین می‌کند.

مریم رها

در نخستین هفته از بهمن ۹۲ تعدادی فیلم تلویزیونی از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد که بیشتر این فیلم‌ها شاید متناسب با حال و هوای انقلاب اسلامی، به انقلاب درونی انسان‌ها اشاره داشت. دو فیلم تلویزیونی «هنوز زنده‌ایم» و «داستان ما، قصه تو» از جمله کارهایی است که روی آنتن سیما رفت و در مقام مقایسه، در بسیاری جهات از نظر قصه، فراز و فرود در روایت علت‌ها و معلول‌ها، ساختار و بازی‌ها، بشدت با یکدیگر متفاوت بود.

هنوز زنده‌ایم: این فیلم تلویزیونی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی کاظم بلوچی و به قلم بهزاد خداویسی، جمعه ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه از شبکه یک به نمایش درآمد.

هنوز زنده‌ایم با بازی سعید پورصمیمی، ژیل سهرابی، الهام فریدی و محسن بابایی در نقش‌های اصلی، داستان پیرمرد هفتاد و پنج ساله‌ای به نام آقای ظریف‌رفتار است که بتازگی همسرش را از دست داده و در خانه‌ای که مشرف به یک مدرسه ابتدایی است، گوشه‌نشین و افسرده شده است. او می‌خواهد مدرسه ابتدایی را که پدرش ساخته و در اختیار آموزش و پرورش قرار داده، به شخصی که قصد دارد در زمین آن برج‌سازی کند بفروشد. خواهرش با این کار مخالفت است و این مخالفت باعث کدر شدن رابطه این دو می‌شود. ظریف که فرزندی ندارد، با ورود خواهرزاده اش که از خارج بازگشته و دوستی هم‌مانش با یکی از شاگردان مدرسه، از لاک تنهایی خود بیرون آمده و از فروش مدرسه منصرف می‌شود.

این فیلم با بازی سعید پورصمیمی، بازیگر محبوب و توانمند سینما و تلویزیون در نقش ظریف که به نظر می‌رسد طرح اولیه آن براساس موقعیت مکانی لوکیشن فیلمبرداری نوشته شده، توانسته است از عهده یک روایت داستانی منسجم و یکپارچه برآید. یکی از بزرگ‌ترین فیلمسازانی که در این کار تبحر بالایی دارد، آلفرد هیچکاک است که فیلم‌های مطرحی از جمله «روانی» را بر مبنای لوکیشن نوشته و ساخته است.

در فیلم هنوز زنده‌ایم، علت و معلول با هم همخوانی ندارد. ظریف چون همسرش را از دست داده و از فراق او بی‌تاب است، تصمیم می‌گیرد مدرسه موقوفی پدرش را پس بگیرد و بفروشد. اگرچه خاطرات مشترک و مواردی از این نوع را برای توجیه این تصمیم عنوان می‌کند، اما نمی‌تواند چنین تصمیم بزرگی را موجه جلوه داده و پوشش دهد. پیرمردی که از تنهایی رنج می‌برد، طبیعتاً از این تنهایی فرار می‌کند، نه این که خود را بیشتر در معرض تنهایی قرار دهد و برای فرار از خاطرات بازمانده، ابتدا به فکر فروش خانه مشترک می‌افتد، نه فروش مدرسه موقوفی. شاید اگر دچار مشکل مالی بود و برای رفع مشکلات مجبور به فروش مدرسه می‌شد، بهتر می‌توانست روند داستان را توجیه کند. در واقع فیلمنامه برای رهایی از کلیشه، راهی در پیش گرفته که بیراهه‌ای بیش نیست.

هنوز زنده‌ایم علاوه بر فیلمنامه از نظر کارگردانی و تدوین نیز دچار ضعف است. این فیلم که هم فیلمنامه و هم دیگر عناصر شکل‌دهنده آن مبتنی بر سبک رئال است، پر از کات‌های بی‌مورد است، به شکلی که حتی بیننده‌ای که کوچک‌ترین شناختی نسبت به تکنیک‌های سینمایی ندارد، متوجه این موضوع می‌شود، در حالی که یکی از ویژگی‌های فیلم‌های رئال استفاده از پلان‌های طولانی

نگاهی به ۲ فیلم تلویزیونی پخش شده از سیما

تفاوت‌ها؛ تعیین‌کننده فراز و فرود کیفیت



تله فیلم هنوز زنده‌ایم

که در حس و حال و رفتارهای آنها دیده می‌شود گواه این مدعاست. در ضمن علاوه بر بازیگران اصلی، حتی بازیگران فرعی همچون نوید محمدزاده که نقش عمومی پسر بچه را بازی می‌کند و لیلا شوقی در نقش دوست خانوادگی این زوج، همه بازی قابل ملاحظه‌ای دارند. نوید محمدزاده اگرچه نقش یک معتاد شارلاتان را بازی می‌کند اما هرگز تیپ‌سازی نکرده است و این شخصیت معتاد را نه با بیانی شل و نه با شارلاتانیزم رفتاری معمول ارائه نمی‌کند، بلکه می‌کوشد با قدرت حرف بزند تا تهدیدش کارساز باشد و شخصیت سرپایی به نظر برسد. همچنین شارلاتانی او نه با داد و فریاد و هوجی‌گری که با خونسردی و آرامش حاکی از خشم درون، نشان داده می‌شود که در مجموع این نقش را بسیار پخته و تأثیرگذار کرده است.

این فیلم از نظر متن نیز، فیلمنامه‌ای نه کنش محور، که موقعیت محور دارد. موقعیت اولیه یعنی پاشیدن خانواده به دلیل مهاجرت یکی، با موقعیت تصادفی که پیش می‌آید، به موقعیت نهایی یعنی پایداری خانواده منجر می‌شود. گرچه این طرح و حتی قصه می‌تواند بسیار تکراری باشد و بخصوص استفاده از موقعیت تصادف بسیار در این درام‌های خانوادگی رخ نما شده است، اما شیوه برخورد و پردازش آن باعث شده از این کلیشه همیشگی رهایی یافته و متن هویت جدیدی بیابد. در واقع برخورد با تصادف، برخوردی متفاوت است که از دل شخصیت‌پردازی فیلمنامه می‌آید و به همین دلیل آن را در گام اول باور پذیر و در قدم دوم بر روند داستانی تأثیرگذار می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های این فیلم، ریتم پویا و مناسب آن است. کارگردان در این فیلم برخلاف بیشتر فیلم‌های تلویزیونی، مکث زمانی روی هیچ کدام از لحظات حساس و موقعیت‌های مهم فیلم نمی‌گذارد و تنها به نشان دادن آن اکتفا می‌کند تا مانع رکود ریتمیک فیلم شود. از طرفی بخوبی توانسته است، تمپوی درونی بالایی که در متن وجود دارد و آبشخور آن التهاب‌های لحظه‌ای کاراکترها و موقعیت‌هاست را در محصول نهایی نگه دارد.

داستان ما قصه تو، فیلمی با پایان شاد یا در اصطلاح happy end است که هم در سلیقه مخاطب عام شانس بالایی برای پذیرش دارد و هم در سلیقه مخاطبان خاص به دلیل درست بودن روابط علی و معلولی و شخصیت‌پردازی و همچنین برخورداری از کیفیت بالای تولید و کارگردانی مناسب از اقبال خوبی برخوردار خواهد بود. بخصوص این که گذشته از آنچه گفته شد این فیلم از طراحی صحنه و لباس بسیار خوب که برآمده از شرایط زندگی و ویژگی‌های شخصیت‌هاست، تصویربرداری و کیفیت تصویری خوب، تدوین مناسب و... برخوردار است.

و با حداقل کات است. کات‌ها نه تنها به وفور دیده می‌شود، بلکه همه شبیه هم هستند. همه گفت‌وگوهای دو نفره در کات‌های یک نفره تصویربرداری و مونتاژ شده است. از این رو بازیگران این فیلم تلویزیونی بجز سعید پورصمیمی که گویی چندان هم از نظر ویژگی‌های شخصیتی توجیه نشده‌اند، بازی‌هایی غیرقابل باور و بدون دریافت حسی درست، در این کات‌های تک نفره، از خود به نمایش می‌گذارند.

داستان ما، قصه تو: این فیلم تلویزیونی به کارگردانی رضا بهشتی و تهیه‌کنندگی امیرعباس کنی، جمعه ساعت ۲۳ از شبکه دو به نمایش درآمد. در این فیلم هومن سیدی نقش نیما مهرگان و حدیث میرامینی نقش ساره، همسر نیما را به عهده دارند. ساره که قصد دارد از ایران مهاجرت کند، به دلیل مخالفت نیما تصمیم می‌گیرد طلاقش را از نیما بگیرد. در مسیر دادگاه، ساره که تاریخ گواهینامه‌اش گذشته و پشت فرمان نشسته است، سهواً با ماشین به پسر بچه پنج شش ساله‌ای که ناگهان روبه‌روی او سبز شده است، می‌زند. پسر بچه به کما می‌رود و نیما برای این که ساره را - که عازم است - از این مخمصه درآورد پسر بچه را فرزند خود معرفی می‌کند و پس از به هوش آمدن، او را در منزل خود سکنا می‌دهد. ساره که فداکاری نیما را می‌بیند از مهاجرت منصرف می‌شود و کنار آنها می‌ماند و...

داستان ما، قصه تو عنوان شایسته‌ای برای این فیلم تلویزیونی است. این فیلم بر خلاف فیلم قبلی، از نظر بازی بازیگران بسیار موفق و بخوبی قابل درک است و نشان می‌دهد بازیگران بارها متن را دور خوانی کرده و روی شخصیت‌پردازی نقش زمان گذاشته‌اند. تیک‌های رفتاری، درک درست بازیگران از موقعیت‌هایی که شخصیت در آن قرار دارد، پیوستگی حسی و پاساژهای حسی بازیگران، روان بودن بازی‌ها و همچنین عمقی



گزارشگران فردا پای میکروفن

گزارشی از مرحله دوم رقابت شرکت کنندگان در برنامه تلویزیونی «آقای گزارشگر»

رکسانا قهقرایی



گذشته از کارکردهای آموزشی و اطلاع‌رسانی رسانه تلویزیون، این جعبه جادویی باید به عنصر سرگرم‌سازی نیز توجهی ویژه داشته باشد. این ضرورت تا حدی است که حتی کارشناسان ارتباطات جمعی توصیه می‌کنند بهتر است آموزش نیز از طریق سرگرمی به مخاطب ارائه شود تا هم تأثیرگذاری آن افزایش یابد، هم به ارتقای کیفیت برنامه، خروجی آن و در نتیجه افزایش تعداد بینندگان کمک کند. همه این اصول زمانی می‌تواند به ثمر بنشیند که با رعایت استانداردها و اصول برنامه‌سازی همراه شود و در نتیجه می‌توان انتظار داشت سرانجامی جز یک برنامه پرمخاطب، هیجان‌انگیز، سرگرم‌کننده و در عین حال اطلاع‌رسان نخواهد داشت.

سرگرم‌سازی مخاطب یکی از اهداف رسانه تلویزیون است که اکنون بخش عمده‌ای از برنامه‌های آن را می‌توان در این گروه دسته‌بندی کرد. این هدف از طریق قالب‌های مختلف برنامه‌سازی از جمله مسابقه، جنگ، برنامه‌های ترکیبی و حتی برنامه‌های گفت‌وگومحور با فضایی شاد و... از سوی شبکه‌های مختلف سیما دنبال می‌شود. همچنین برخی شبکه‌ها به دلیل دسته‌بندی مخاطبان خود و تأکید بر گروه و قشری خاص، این رویه را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند. شبکه سه سیما که نام شبکه جوان را به خود اختصاص داده است، تأکید زیادی بر برنامه‌های سرگرم‌کننده و در ارتباط با نیازهای جوانان دارد. برای مثال ورزش یکی از موضوعات اساسی برای برنامه‌سازی در این شبکه است و در حوزه‌های مختلف پیگیری می‌شود.

آنچه گذشت...

برنامه تلویزیونی آقای گزارشگر، کاری از گروه ورزش شبکه سه سیماست که برای نخستین بار علاقه‌مندان به گزارشگری ورزشی آن هم در رشته ورزشی فوتبال را به رقابت و محک زدن توانایی‌شان در این حوزه دعوت کرده است. این برنامه به تهیه‌کنندگی و کارگردانی هنری مهدی محمدی پانزدهم مهر امسال کار خود را با شرکت بیش از ۶۰۰ علاقه‌مند به گزارشگری فوتبال در برج آزادی تهران آغاز کرد و هفت روز متوالی به طول انجامید. این افراد در یک رقابت بزرگ دانش علمی و اطلاعات خود را در رشته ورزشی فوتبال سنجیدند. برنامه آقای گزارشگر که با هدف شناسایی و کشف استعدادها و جوان در گزارشگری برگزار می‌شود در مرحله نخست خود از کارشناسان زیادی کمک گرفت که از جمله آنها می‌توان به جواد خیابانی، پیمان یوسفی، علیرضا علی‌فر، محمد سیانکی، محمدرضا احمدی، محمدرضا بالاپور داوران این مرحله از مسابقه در بخش گزارشگری و مجید صالح، امیرحسین پیروانی، هوشنگ نصیرزاده، هادی طباطبایی، اصغر مازیار و... اشاره کرد.

این مسابقه با انتخاب ۱۴۷ نفر به‌عنوان افراد راه‌یافته به مرحله دوم ادامه یافت و روز پنجشنبه سوم بهمن مرحله دوم آن با برگزاری آزمونی کتبی کلید زده شد و پرسش‌هایی مربوط به اطلاعات عمومی درباره فوتبال در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

یک گام تا مرحله دوم مانده است

برای تهیه گزارش از روند برگزاری مرحله دوم این مسابقه به محل برگزاری آزمون می‌روم. ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه است که به سالن آمفی‌تئاتر برج آزادی می‌روم. تعداد زیادی از افراد ابتدای ورودی مشغول دریافت کارت‌های امتحان خود هستند. از میان جمعیت عبور می‌کنم و داخل سالن برگزاری امتحان می‌شوم. خودم را به پشت صحنه می‌رسانم. جایی که دکور مرحله دوم برنامه در حال آماده‌سازی است.

سوی دیگری از سالن، شرکت‌کنندگان راه‌یافته

جواب‌ها در پاسخنامه علامت زده می‌شود. نکته جالب توجه حضور شرکت‌کنندگانی است که از گروه‌های سنی مختلف هستند و میان آنان پسری نوجوان و فردی میانسال هم به چشم می‌خورد. گروه دوم نیز رقابت خود را آغاز می‌کنند و بعد از پایان فرصت در نظر گرفته شده در حالی که ساعت به ۱۸ نزدیک می‌شود، آزمون به پایان می‌رسد. محمدی، تهیه‌کننده و کارگردان هنری برنامه اعلام می‌کند به پرسش‌های شرکت‌کنندگان در فضای بیرونی سالن پاسخ داده می‌شود. تا حضور همه افراد در فضای بیرونی سالن، دقایقی را با وی درباره ویژگی‌های برنامه، بخش‌های آن و معیارهای مورد نظر در داوری شرکت‌کنندگان صحبت می‌کنم.

وی ابتدا درباره شروع این برنامه توضیحاتی می‌دهد: مرحله نخست مسابقه آقای گزارشگر به مدت هفت روز متوالی از پانزدهم مهر از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح شروع می‌شد و گاهی تا ۱۰ شب هم طول می‌کشید.

ابتدا براساس سیستم نوبت‌دهی برای شرکت‌کنندگان در مسابقه کارت عضویتی صادر می‌شد و در دو مرحله از آنها تست می‌گرفتیم؛ در مرحله اول آنها می‌توانستند یک بازی را به انتخاب خودشان گزارش کنند، اما در مرحله دوم داوران یک بازی را انتخاب می‌کنند و شرکت‌کنندگان موظف به گزارش مسابقه تعیین شده بودند.

وی درباره ملاک‌های ارزیابی شرکت‌کنندگان می‌افزاید: شناخت بازیکنان و داشتن دانش ورزشی، برخورداری از صدای خوب و مناسب و... از ملاک‌هایی بود که داوران در انتخاب شرکت‌کنندگان در مرحله

به مرحله دوم با نشاط و هیجانی خاص منتظر شروع آزمون هستند. چند دقیقه‌ای می‌گذرد و مهدی محمدی، تهیه‌کننده برنامه به میان جمعیت می‌رود. یک تصویربردار هم به ضبط روند برگزاری آزمون می‌پردازد. وقتی از محمدی می‌پرسم آیا قرار است تصاویر این مسابقه هم در خود برنامه مورد استفاده قرار گیرد، می‌گوید: همه مراحل آزمون را پوشش نمی‌دهیم. تنها یک یا دو دقیقه از تصاویر را همراه با موسیقی در اواسط برنامه استفاده می‌کنیم. محمدی میکروفن به دست دارد و به پرسش‌های متنوع شرکت‌کنندگان پاسخ می‌دهد. این پرسش‌ها درباره مسائل مختلفی است؛ از جمله زمان دقیق برگزاری مرحله دوم، نحوه پوشش و این که چند نفر به مرحله نهایی راه می‌یابند، کدام بازیگران گزارشگری را تجربه می‌کنند و سوالاتی از این قبیل. افراد شرکت‌کننده از تهران بنا به خواسته تهیه‌کننده دستشان را بالا می‌گیرند. اگرچه تعدادی زیادی از افراد اهل تهران هستند، اما شرکت‌کنندگان از دیگر شهرها نیز تعدادشان کم نیست. محمدی کمی هم درباره بخش‌های مرحله دوم مسابقه به شرکت‌کنندگان توضیح می‌دهد و تعدادی از آنها را برمی‌شمرد: گزارش بخشی از یک مسابقه فوتبال خارجی یا ایرانی در حد دو دقیقه، تشخیص این که توپ چه فرجامی دارد، شناخت بازیکنان از جمله هفت یا هشت بخش مرحله بعد است. دقایقی از ساعت ۱۶ گذشته است که اولین گروه آزمون خود را شروع می‌کنند. دسته‌بندی افراد براساس ترتیب حروف الفباست. نزدیک ۴۰ دقیقه زمان برای آنان در نظر گرفته شده است و



نخست مد نظر داشتند. همچنین منتقل کردن حس و حال و هیجان بازی به بیننده هم مهم‌ترین معیار ما برای انتخاب افراد بود.

محمدی با اشاره به این که شرکت‌کنندگانی از همه استان‌ها در این مسابقه حضور داشتند، ادامه می‌دهد: در این مسابقه محدودیتی برای حضور علاقه‌مندان به گزارشگری ورزشی اعمال نکردیم و تمام ۲۰ هزار نفری که برای شرکت در مسابقه ابراز تمایل کرده بودند، می‌توانستند در مرحله اول حضور داشته باشند.

اوارزیابی خود را از کیفیت گزارش‌های شرکت‌کنندگان هم این‌طور بیان می‌کند: خوشبختانه شرکت‌کنندگان در این مرحله بیش از حد انتظار ظاهر شدند و از میان آنها ۱۴۷ نفر به مرحله بعد راه یافتند. حتی یک نفر از ایتالیا برای تست دادن آمده بود و به هر دو زبان ایتالیایی و فارسی گزارش کرد. همچنین سطح تحصیلات بسیاری از شرکت‌کنندگان هم در مقطع فوق‌لیسانس و دکتری بود. پسری هشت ساله کوچک‌ترین و مردی پنجاه و پنج ساله بزرگ‌ترین شرکت‌کنندگان در این مسابقه بودند. در ضمن برای ایجاد تنوع در برنامه‌سازی تلاش کردیم افراد منتخب از گروه‌های سنی و تحصیلی و شهرهای مختلف باشند.

محمدی درباره تعداد قسمت‌های برنامه و بخش‌های آن نیز ادامه می‌دهد: این برنامه دارای ۱۵ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای است که سه قسمت آن حالتی مستند گونه دارد و ۱۲ قسمت آن رقابت‌های شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد. در این ۱۲ قسمت ۱۲ بازیگر نیز گزارشگری فوتبال را تجربه می‌کنند و از میان آنها نیز یک نفر برگزیده خواهیم داشت. تاکنون از سیاوش خیرابی، مهران رنجبر، مجید واشقانی و محمدرضا شیرخانلو کلاکت‌هایی را ضبط کرده‌ایم. همچنین تصمیم داریم در یک بخش جداگانه بهترین گزارشگران فوتبال خارجی را معرفی و درباره سوابق فعالیت آنها صحبت کنیم.

وی درباره ملاک‌های داوری در مرحله دوم نیز می‌گوید: در مرحله دوم مسابقه داوری‌ها کمی سختگیرانه‌تر می‌شود. شناخت بازیکن، نحوه گزارشگری، نوع ارتباط با مخاطب، اطلاعات فرعی گزارشگر و میزان شناخت او از بازیکنان قدیمی و جدید و... از معیارهایی است که در قضاوت داوران به آن توجه می‌کنند. سیدسعید حسینی، کارگردانی تلویزیونی و محمدرضا احمدی، اجرای این مسابقه تلویزیونی را به عهده دارند.



گفت و گو با رضا بنفشه خواه، بازیگر تلویزیون

از بازیگری پشیمان نیستم

آزاده صالحی

رضا بنفشه خواه بازیگر هفتاد ساله سینما و تلویزیون پیش از آن که به این دو حیطه وارد شود، در دهه ۴۰ با ایفای نقش در تئاتر به شکل رسمی وارد عرصه هنر شده بود.

این بازیگر که در زمینه تدریس بازیگری، فن بیان و گویندگی نیز فعالیت‌هایی داشته، علاوه بر فعالیت در سینمای ایران و بازی در ۲۲ فیلم سینمایی، در بیش از ۶۰ مجموعه تلویزیونی ایفای نقش کرده و یکی از بازیگران پر کار رسانه ملی بوده است. با رضا بنفشه خواه در قالب خاطره به گفت و گو نشستیم.

با توجه به این که عمده فعالیت خود را صرف بازی در سریال‌های تلویزیونی کرده‌اید، بهترین خاطره‌ای که از حضور در تلویزیون دارید، چیست؟

اولین سریالی که من در سال ۶۲ در آن بازی کردم، مجموعه تلویزیونی «مخمصه» ساخته فرهاد مجدآبادی بود که در ایام نوروز سال ۶۳ پخش شد و به اصطلاح خیلی گرفت. این مجموعه با مخاطب خوبی مواجه شد و مردم از محتوای آن خیلی استقبال کردند. شاید به این دلیل که کار در درجه نخست از فیلمنامه خوبی برخوردار بود و کارگردان تلویزیونی آن (یعنی حسین فردرو) هم، کارگردانی مسلط در این زمینه بود. همه اینها دست به دست هم داد تا سریالی شسته رفته و قابل قبول ارائه شود؛ البته نباید فراموش کرد در آن دهه از رسانه‌های بیگانه، مجازی و ماهواره خبری نبود و همین مساله پیوند و دلبستگی پررنگ‌تر مخاطبان با تلویزیون را همراه داشت.

البته همان‌طور که اشاره کردید درونمایه این سریال بود که برای مردم جذابیت داشت و توانست نظر آنها را به خود جلب کند. این شاخصه در موفقیت آن سریال مهم‌تر نبود؟

همین‌طور است. مخمصه در قالب یک سریال

داستانی به روایت مشکلات روستایی‌ها می‌پرداخت و این موضوع نزد بینندگان آن زمان مقبول افتاد. خاطرم هست بعد از پخش این سریال با بازخوردهای خوبی از سوی مردم مواجه شدم. همان‌طور که اشاره کردم، این سریال حرفی برای گفتن داشت و پیامی را به مخاطب القا می‌کرد. این نکته مهمی است که در ارزیابی موفقیت کار در آن مقطع تاریخی باید در نظر گرفت.

فکر می‌کنید رمز ماندگاری این گونه سریال‌ها چیست؟

به جرأت می‌توان گفت بیشتر سریال‌هایی که در سال‌های گذشته ساخته شده‌اند و به موفقیت رسیده‌اند، به لحاظ فیلمنامه و روایت، منسجم، پرکشش و بدون نقص بوده‌اند. اگر سریال‌های امروز هم با این ویژگی‌ها همراه باشند، می‌توانند با مخاطب گسترده تلویزیون ارتباط برقرار کنند، اما این یک واقعیت است که کشش و انسجام روایت امروز درباره تمام فیلمنامه‌های سریال‌های تلویزیونی صدق نمی‌کند؛ البته یکی از دلایل دیگری که آن را باید در نظر گرفت گسترش شبکه‌های داخلی است. درست است در دهه‌های گذشته ما به اندازه امروز با تعدد کانال مواجه نبودیم و فقط شبکه یک و دو وجود داشت، اما امروزه تعدد شبکه‌های داخلی سبب شده مخاطبان تلویزیون گسترده‌تر شوند و افراد بیشتری بتوانند در سطح شهرها و روستاها با تلویزیون ارتباط برقرار کنند. امروز علاوه بر این که پنج شبکه سراسری داریم، ۳۰ شبکه استانی نیز هست که هر یک می‌توانند نیازهای مختلف مخاطبان تلویزیونی را برآورده کنند و با سلاقی عمومی همراه باشند.

به انسجام و کشش فیلمنامه‌ها در سریال‌های موفق اشاره کردید. شنیده‌ام برخی فیلمنامه‌ها هستند که روزانه و به‌طور کلی سر صحنه نوشته می‌شوند. این مساله چقدر صحت دارد و به کارها لطمه می‌زند؟

متأسفانه حقیقت دارد، کما این که خودم به چند نمونه آن برخورده‌ام. به عنوان مثال قرار بود در یک سریال ۱۳ قسمتی بازی کنم، ولی وقتی برای بستن قرارداد

رفتم، متوجه شدم فقط سه قسمت آن نوشته شده و به من گفتند هرچه جلوتر برویم و نگارش فیلمنامه کامل‌تر شود، امکان این که برای شما هم نقش بیشتری نوشته شود، وجود دارد، البته این مشکل امروز نیست. یادم هست ۲۰ سال پیش هم در سریالی بازی کردم که فیلمنامه آن ابتدا درحد یک حرف بود.

موضوعش چه بود؟

درباره وقوع چند ترور در زمان رژیم سابق بود که پیگیری آن به یک سرهنگ واگذار شد و بعدها متوجه شد پسر خودش هم جزو یکی از کسانی بوده که این ترورها را برعهده داشته است. خاطرم هست، آن زمان من در چند سکانس این سریال ظاهر شدم و بعد به من گفتند اگر خوب بازی کنی ممکن است نویسنده چشمش بگیرد و نقش بیشتری برای تو بنویسد. آن زمان من خیلی تعجب کردم، اول از این بابت که با خود می‌گفتم چطور ممکن است بازیگری که به کار خود مسلط است، بد بازی کند؟! دیگر این که از این نوع نگاه متعجب بودم. نکته جالب اینجاست که همین اتفاق در ادامه کار رخ داد. البته نه برای من بلکه برای یکی دیگر از بازیگرانی که در آن سریال بازی می‌کرد. در آن کار، بازیگری بود که یک نقش فرعی را به عهده داشت، ولی نقش او بتدریج به یکی از نقش‌های اصلی سریال تبدیل شد.

پس برخلاف آنچه امروز به نظر می‌رسد، این مسائل مربوط به امروز نیست و در گذشته هم وجود داشته است.

بله، من اگر به موفقیت و انسجام کارهای گذشته اشاره کردم باید به این بخش از مشکلات هم اشاره می‌کردم تا به یک قضاوت منصفانه برسیم.

با آن که خاستگاه شما در عالم هنر، تئاتر بوده است، چرا فعالیت در این عرصه را ادامه ندادید؟

دلیلش این بود در سال‌هایی که من وارد تئاتر شدم، وضع دستمزدها آن طور که باید تعریفی نداشت و به قول معروف، در زمینه امرار معاش نمی‌شد انتظار بالایی از تئاتر داشت. من بیشتر سعی کردم خود را وقف حضور

در سینما و تلویزیون کنم. در عین حال تصور می‌کنم کسانی که مثل من به شکل آکادمیک در رشته تئاتر تحصیل کرده‌اند و در این وادی فعالیت می‌کنند، اگر از منظر معیشتی در مضیقه نباشند، می‌توانند درخشش زیادی در این زمینه داشته باشند، کما این که هم‌اکنون بازیگر زبده و چیره‌دست در تئاتر، کم نداریم. از اینها گذشته، یکی از محاسن تئاتر این است که بازیگر به شکل رخ به رخ و نفس به نفس به مدد نقشی که ایفا می‌کند به برقراری ارتباط با مخاطب می‌پردازد.

امروز نسبت به تئاتر چه حسی دارید؟ چقدر از حس اولیه شما نسبت به بازیگری در این زمینه هنری کم شده است؟

باور کنید از اشتیاق اولیه من نسبت به تئاتر اصلاً کم نشده... هنوز هم با وجود این که سال‌هاست تئاتر کار نکرده‌ام، احساس می‌کنم تئاتر عشق اولیه من است و علاقه‌ام به هنرهای نمایشی و اجرا در صحنه، به همان میزان است که ابتدای ورودم به این عرصه به تئاتر علاقه‌مند بودم.

شما یکی از بازیگرانی هستید که در سینما و تلویزیون شهرت و سابقه‌ای برای خود دارید. هیچ‌وقت پیش آمده از ورود به عرصه بازیگری به دلیل برخی مشکلات، پشیمان شده یا مثلاً آرزو کرده باشید ای کاش هنرمند نمی‌شدید؟

سوال سختی است! ببینید، خب به قول شما مشکلات کاری همیشه بوده و هست و نمی‌شد آنها را نادیده گرفت یا رد کرد، ولی من واقعا از راهی که انتخاب کرده‌ام، پشیمان نیستم. چون از دوران نوجوانی بازیگری را دوست داشتم و به نوعی می‌توانم بگویم حضور در این حرفه و دستیابی به موقعیت بازیگری در سینما و تلویزیون، آرزوی من بود. گرچه من هم مانند دیگر همکارانم، در این مسیر سختی‌هایی را هم متحمل شده‌ام که بخش عمده‌ای از این سختی‌ها، در زمینه مسائل مالی رخ داده است. به عنوان مثال، بارها موقع نقد کردن وجه دستمزد، با چک‌های برگشتی دوستان مواجه شده‌ام و بعد برای رفع کردن این مشکل و رسیدن به حق و حقوقم، دوندگی‌های زیادی داشته‌ام، اما با این همه، راضی‌ام و فکر می‌کنم انتخابم در زندگی درست بوده است.

اگر بخواهید به شاخص‌ترین سریال سال‌های اخیر خود اشاره کنید، کدام سریال را انتخاب می‌کنید؟

در سال‌های گذشته سریالی به نام «محکمه عدالت» ساخته شد که به نظر من از هر نظر سریال موفق و خوبی بود. روح‌الله علی و هرمز امامی هم به شکل مشترک، کارگردانی آن را به عهده داشتند. این سریال در دهه ۷۰ ساخته شد و تصور می‌کنم امروز هم در آرشو صدا و سیما موجود است. من این سریال را خیلی دوست داشتم و چقدر خوب می‌شود دوباره آن را پخش کنند. به نظر من محکمه عدالت هم به لحاظ مضمونی که در قصه به آن می‌پرداخت و هم کاراکتری که در این سریال به من محول شده بود، برایم خاطره‌انگیز است، ضمن آن که همکاری با رضا بابک در کارگردانی این اثر نیز برایم شیرین بود.

ملاک شما برای انتخاب یک نقش چیست؟

مضمون و نقش، دو شاخصه مهم برای هر بازیگر است. از بدو ورود به عرصه هنر تا امروز سعی کرده‌ام سریال‌هایی را انتخاب کنم که سهمی در ارتقای فرهنگ جامعه داشته باشند، چون معتقدم جامعه ما از جهات بسیار نیازمند فرهنگ‌سازی است و سریال‌ها، فیلم‌ها و به‌طور کلی آثار هنری می‌توانند نقش زیادی در این زمینه داشته باشند.

کار کارگردانان جوان تلویزیونی را می‌پسندید؟

مشکلی با کار کردن با جوانان ندارم؛ بویژه این که با برخی از آنها که دارای تحصیلات آکادمیک بوده‌اند، کار کرده‌ام و این همکاری‌ها برایم جذابیت‌هایی داشته است. به عنوان مثال چند سال پیش با یک کارگردان جوان کار کردم که کارش را به لحاظ تسلط بر دکوپاژ و رعایت مولفه‌های حرفه‌ای خیلی موفق و منحصر به فرد ارزیابی کردم. باید به نسل جوان کارگردان‌ها در تلویزیون اعتماد کرد، زیرا آینده تلویزیون با جوانان امروز رقم می‌خورد.

«پسر کاغذی» به تلویزیون می آید

گزارشی از پشت صحنه انیمیشن «پسر کاغذی» که برای پخش در نوروز ۹۳ آماده می شود

رضوان اناری



در پشت صحنه انیمیشن نه از دوربین خبری است، نه از بازیگر و نه حتی از تیم تولید چند ده نفری که هر کدام بخشی از وسایل صحنه را در اختیار داشته باشند. اینجا دفتر نسبتاً بزرگی در غرب تهران است که فقط چند سیستم رایانه خودنمایی می کند پشت هر کدام از آنها یک نفر مشغول انیمیت کردن بخشی از کار است.

مجید محمدی که پیش از این کارگردانی انیمیشن «قصه های خوب برای بچه های خوب» را انجام داده حالا مشغول ساخت کار نوروزی شبکه پویاست.

با او وارد اتاق تولید می شوم که مجموعه ای از ۲۰ رایانه با دیوارهایی پوشیده از پوسترها و عکس های انیمیشن های مختلف است. چند عکس هم از کاراکترهای مجموعه قصه های خوب برای بچه های خوب روی دیوارهای اتاق دیده می شود.

بیشتر سیستم ها خالی است و فقط یک نفر در این روز نیمه تعطیل مشغول کار است، اما به طور معمول روزانه ده انیماتور روی پسر کاغذی کار می کنند. آنها با نرم افزار 3Dmax که مخصوص تولید انیمیشن است، کارهای مربوط به این انیمیشن را انجام می دهند.

کل لوکیشن خانه پسر کاغذی شامل چند ورق دفتر نقاشی، اتاق، حیاط، میز کار و آشپزخانه است. این ورق های دفتر نقاشی، نقاشی های تک بعدی هستند که پسر کاغذی در آنها زندگی می کند. اما ظاهراً در آوردن حرکت و حس یک آدمک روی نقاشی های تک بعدی کمی سخت به نظر می رسد. مجید محمدی در این باره می گوید: کمی سخت و برای انیماتورها غریبه است، اما تقریباً الان همه عادت کرده اند که چگونه کار کنند. برای این که کارها شبیه هم باشد، یک سرپرست انیماتور داریم که انیمیت های کار شده را به هم نزدیک می کند و تعادلی را از نظر حرکتی روی آنها به وجود می آورد.

از او درباره ایده اولیه پسر کاغذی می پرسم که توضیح می دهد: ایده اولیه این کار را از یک تیزر خارجی الهام گرفتم که سال ها پیش دیده بودم. کار فوق العاده ای بود که یک آدمک کاغذی به همین صورت کار شده بود و به شکل انیمیشن درآمد بود. این کارگردان اضافه می کند: این کار با سبک جدیدی اجرا می شود که اگر ادامه داشته باشد، می تواند تاثیر زیادی روی مخاطب هدف داشته باشد. ما گروه سنی پایین را هدف گرفته ایم. در این کار به صورت غیرمستقیم یکسری حرف ها را می گوئیم. اگر چند تا از آنها هم در ذهنشان بماند در آینده تاثیر خود را نشان خواهد داد. اما حتی بزرگسالان هم می توانند این

انیمیشن را ببینند و از آن یاد بگیرند. اکنون ما داستان ها را نوشته ایم، پیش تولید را هم آماده کرده ایم و منتظر تأیید داستان ها هستیم تا کار را به تولید برسانیم.

محمدی درباره پروسه تولید این مجموعه انیمیشن تلویزیونی توضیح می دهد: چند نفر نویسنده و یک تیم تحقیق برای تولید این کار تلویزیونی فعالیت کرده اند تا پسر کاغذی بتواند برای مخاطبانش مسائل گوناگونی را تحت پوشش قرار دهد. ۱۳ قسمت اول این مجموعه، در زمینه مدرسه و دانش آموزان است و تیم تحقیق ما روی موضوعات و اتفاقاتی که در مدرسه برای بچه ها رخ

تنظیم کانال

پسر کاغذی در ۱۳ قسمت یک دقیقه ای تولید می شود که قرار است نوروز ۹۳ از شبکه پویا پخش شود. به گفته دست اندران این مجموعه انیمیشن، به احتمال قوی، شبکه های دو و پنج هم پسر کاغذی را پخش خواهند کرد.

راوی است که با مخاطب دیالوگ برقرار می کند. صحبت های محمدی که تمام می شود، مرتضی بهرامی - انیماتور پسر کاغذی - همچنان مشغول کار با نرم افزار خود است. در نسخه ای که او کار می کند، زاویه دوربین، فضا و حالت های پسر کاغذی قابل تغییر است. کارهای مستطیل شکلی به رنگ های زرد، آبی، قرمز و سبز روی بدن پسر کاغذی وجود دارد که حرکاتش با آنها تنظیم می شود. اینها استخوان های پسر کاغذی هستند که در اصطلاح، بون نامیده می شوند. یک بون دایره ای هم سر پسر کاغذی را کنترل می کند.

بهرامی مشغول کار است و به تقاضای من سعی می کند پسر کاغذی را روی صندلی کارش بنشاند. او توضیح می دهد: مشغول تست زنی روی حالت های مختلف پسر کاغذی هستیم و تلاش می کنیم به یکی از این حالت ها عادت کنیم که البته هنوز عادت نکرده ایم. شخصیت های کارهای سه بعدی، چشم و ابرو دارند و با آنها تا حدودی می توان حس را منتقل کرد، اما پسر کاغذی چشم و ابرو ندارد و ایجاد ارتباط حسی برای آن کمی سخت تر است، چون باید فقط از طریق حرکت، حس را منتقل کنیم مثلاً نشان دهیم او خوشحال است یا ناراحت. او با تأکید بر این که پسر کاغذی، در بین انیمیشن های پخش شده از تلویزیون، کاری جدید به شمار می رود، می گوید: این که کاراکترهای انیمیشن روی چند برگ کاغذ جابه جا می شوند، کار را برای ما سخت می کند. در کارهای سه بعدی، کاراکتری که روی صندلی نشسته از همه زوایا روی صندلی دیده می شود؛ اما در این کار، زاویه دوربین باید طوری باشد تا نشستن روی صندلی را به مخاطب القا کند. در واقع اگر زاویه دوربین کمی تغییر کند این حالت به هم می خورد.

بعد از این که انیماتورها کار خود را انجام دادند، تصاویر آماده شده توسط سرپرست یکسان سازی شده و به نرم افزار پریمیر سپرده می شود تا کار تدوین تصویر آماده شده انجام شود، اما پروسه پردازش تصاویر یا همان رندر کردن طبق معمول، بسیار طولانی است و هر فریم آن سه دقیقه طول می کشد. مرحله بعدی صداگذاری است که چندان طول نخواهد کشید، راوی باید روی تصاویر صحبت کند و دیالوگ بگوید که به گفته محمدی، کل این فرآیند چیزی بیش از سه چهار روز به طول نخواهد انجامید. بعد از آن است که ادیت نهایی صورت می گیرد و کار برای پخش در نوروز به مرکز پویانمایی صبا و شبکه پویا سپرده می شود تا کودکان، شاهد پخش این میان برنامه های آموزشی با حضور پسر کاغذی باشند.

«فروش ویژه و استثنایی با ۱۵٪ تخفیف بعد از کارشناسی»

مازندران - بهشهر - کمربندی شرقی

مجتمع تفریحی و رستورانی شادزین

مساحت کل زمین ۵۵۲۴ متر. زیر بنای مفید ۳۷۰۰ متر

دارای کافی شاپ، سفردخانه سنتی، رستوران و ۴ تالار مجزا

با مجموع ظرفیت ۱۵۰۰ نفر و تالار طبقه دوم ۹۰۰ متر بدون ستون

۰۹۳۹۷۵۶۹۲۳۷

جناب زاده ۰۱۵۲۵۲۷۷۰۰۱

فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی

با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید پردیس، به همراه تعدادی واحد ۵۸ تا ۲۳۰ متر

با وام ۲۵ میلیونی

و فروش آپارتمان های مسکن مهر فاز ۳ و ۱۱

۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

محلی مناسب

جهت موسسات یا محضر و غیره ...

آدرس: تهران - چهارراه مولوی

میدان امین السلطان

تلفن ۳۳۵۶۹۱۰۰

آمل - کیلومتر ۵

مشاور املاک تهران

قطعات ۲۰۰ متری ۱۲ میلیون با شرایط از ۵ هزار متر به بالا

متری ۳ - ۴ هزار، ویلا ۲۵ میلیون با شرایط

۰۹۱۱۸۵۵۰۶۵۱ (مدیریت ظاهری)

۱) برکن و درب بند آب معدنی و دوغ

۲) اینجکشن ۳۲۸ تن

۳) پرکننده نوشابه و ماءالشعیر

انباری ۴۰ سره

۴) تونل باستورایزر ماءالشعیر

۵) مخازن استیلنس استیل تک جداره

۰۹۱۲۱۲۶۸۱۳۲

قابل توجه اداره ها، ارگان ها، شرکت های دولتی و خصوصی «فردیس کرج»

یک باب مغازه به متراژ ۹۰ متر کف، ۶۰ متر بالکن، سند ۶ دانگ با متصفاته ترین قیمت منطقه فوری به فروش می رسد.

۰۹۱۲۳۰۷۷۵۵۴

مسکن آتیه شهر پردیس

۱۲ واحد آپارتمان

با شرایط استثنایی

۷۶۲۴۴۶۳۶ - ۰۹۱۹۰۲۷۱۴۷۶

کیلان - قالی

۲ هکتار زمین استخر پرورش ماهی ۱/۵ هکتار گرمایی و ۳۰ تن سردآبی

یک باب ویلا و ساختمان های جانبی و تمامی امکانات با شرایط ویژه

۰۹۳۶۳۱۰۹۱۷۵ - ۰۹۱۹۵۷۰۹۸۲۱

بهترین های املاک را بدون نگرانی از شرایط اقتصادی از ما بخواهید

مشاورین املاک گیل مار (کاسین سابق)

فروش زمین های مسکونی و تجاری و انواع ویلاهای کنار ساحل چابکسر

۰۱۲۲۶۳۶۷۷۸۱

۰۹۱۱۲۴۵۸۷۲۲ - ۰۹۱۱۲۴۲۲۲۶۷

قابل توجه اداره ها، ارگان ها، شرکت های دولتی و خصوصی

نظرآباد صالحیه

(مشرف به فرودگاه آموزشی و تفریحی آزادی)

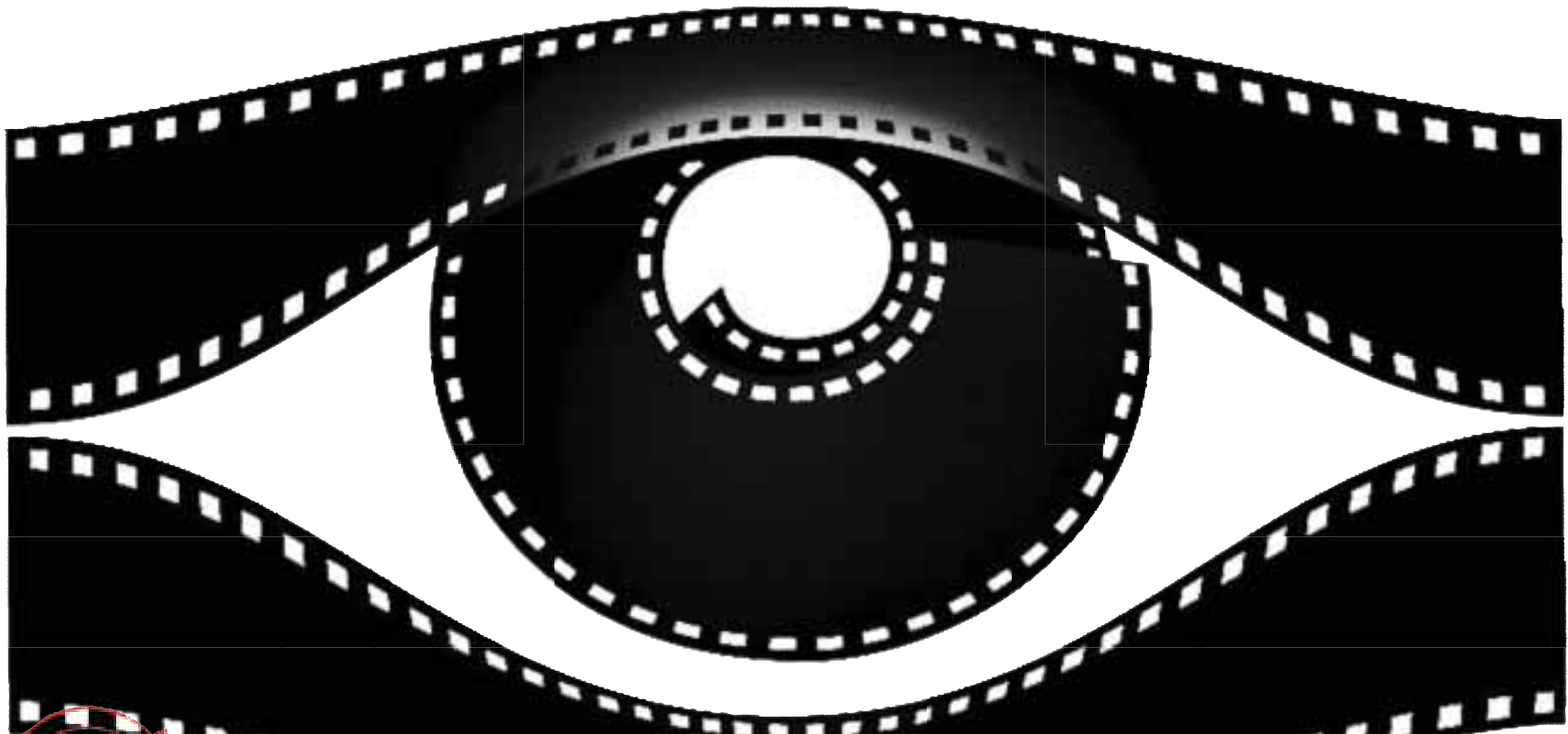
زمین ۶۵۰ متر جهت باغ و ویلا با قابلیت ساخت و ساز

فروش به صورت نقدی یا مأموسه با خودروی مدل بالا صورت می پذیرد

۰۹۱۲۱۸۲۸۱۹۰

آگهی مفقودی

عکس فوق متعلق به **مسعود سعادتانی** ۲۷ ساله می باشد که در سلامت کامل جسمی و روحی از خانه خارج گردیده و تاکنون مراجعت ننموده است. از هوشیاری که از وی اطلاعی دارند تقاضا داریم، بسا تشکره تن های **۰۹۳۷۷۲۲۲۸۲** و **۰۶۳۹۸۶۹۲** تماس حاصل نمایند.



فیلم کوتاه و عبور از دیوار بلند

برنامه ریزی بلندمدت تلویزیون می تواند به فیلم کوتاه کشور کمک کند

نسرین بختیاری

در دنیای پرزدحام امروز، فرصت‌ها محدود شده و همه چیز روی ریل تعجیل حرکت می‌کند و انسان‌ها به دلیل سرعت وسایل ارتباط جمعی جدید باید تا حدودی به ناگزیر خود را با این شرایط تطبیق دهند. ذائقه بصری مخاطب امروز همگام با این سرعت تغییر کرده و می‌خواهد بسرعت از پایان تمام قصه‌ها آگاه شود غافل از این که گاه تاثیر چند فریم و چند دقیقه فیلم آموزشی یا تبلیغاتی یا داستانی می‌تواند به اندازه سریال‌های ۱۰۰ قسمتی باشد و مخاطب این عادت را به دست بیاورد که برای فهمیدن، به این نیازی ندارد که همه چیز مو به مو برایش نقل شود. برای ایجاد این فرهنگ و دستیابی مخاطب این سطح سرعت و تاثیرگذاری به وسیله رسانه، فیلم کوتاه می‌تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد. یک اثر هنری که بتواند در کمترین زمان ممکن بیشترین تاثیر را بر ناخودآگاه مخاطب بگذارد، قطعاً می‌تواند قوای نهفته ادراکی و تحلیلی او را بیدار کند و به فعلیت درآورد.

در این میان، تلویزیون به عنوان یک رسانه فراگیر می‌تواند جایگاهی منحصر به فرد برای نمایش آثار کوتاه فیلمسازان باشد. فیلم‌های کوتاهی که در ذهن و فکر و خلاقیت کارگردان‌های ایرانی و خارجی ریشه دارند و می‌توانند دقایقی مخاطبان گسترده با سلاقی متنوع و مختلف را فارغ از همه برنامه‌های تلویزیونی با درجه تازه‌ای از تصویر و هنر روبه‌رو کنند.

گسترده‌ی موضوعی با فیلم کوتاه

حبیب ایل‌بیگی، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران که خود سال‌ها در عرصه‌های مختلف فعالیت داشته و در مقطعی نیز در سیمافیلیم فعالیت کرده، درباره ارزش‌های فیلم کوتاه می‌گوید: فیلم کوتاه را باید یک سینمای مستقل قلمداد کرد، چون قابلیت دارد در دنیای مدرن رسانه‌ای، بیش از پیش میان فیلمسازان فراگیر شود. فیلم کوتاه مثل رباعی یا داستان کوتاه می‌تواند در زمان کم داستان تعریف کند و این حتماً برای مخاطبی که در دنیای مدرن و پرسرعت رسانه در جستجوی خوراک



رسانه‌ای و هنری است، جذابیت بیشتری دارد. در زمانه‌ای که همه ما به نوعی در کارها و امور مختلف زندگی با مساله‌ای به نام سرعت روبه‌رو هستیم، فیلم‌های کوتاه می‌توانند جوابگوی نیاز مخاطب باشد. از سویی تنوع فرهنگی موجود در کشور مان سبب می‌شود فیلم‌های کوتاه به لحاظ قومیتی نیز حال و هوای خاصی داشته باشند.

ایل‌بیگی نقش تلویزیون را به عنوان رسانه‌ای فراگیر در زمینه ایجاد ارتباط بین مردم و سینمای کوتاه، جدی می‌داند و می‌گوید: تلویزیون به عنوان یکی از بسترهایی که برای نمایش فیلم‌های کوتاه مناسب به نظر می‌رسد، می‌تواند هدف‌های بزرگی را در نظر بگیرد و بویژه تنوع فرهنگی موجود در خرده فرهنگ‌های کشور ما را به وسیله همین ابزار به نمایش بگذارد. او با اشاره به این که تعامل تلویزیون با فیلمسازان کوتاه همواره نتیجه‌بخش بوده است، می‌گوید: بعد از جشنواره‌ها، مهم‌ترین جایی که می‌تواند فیلم کوتاه نمایش دهد و فرهنگ دیدن فیلم کوتاه را نزد مردم جا بیندازد، تلویزیون است. در سال‌های گذشته، شبکه دو سیمای برنامه‌ای با عنوان «سینمای دیگر» را روی آنتن می‌برد که مخاطبان زیادی داشت. در حال حاضر هم، فیلم‌های کوتاه در شبکه نمایش نشان داده می‌شود اما این اتفاق می‌تواند به شکل گسترده‌تر و تاثیرگذارتری رخ بدهد.

ایل‌بیگی می‌گوید: امروزه، اتفاق خوبی در رسانه ملی رخ داده و شبکه‌های تلویزیونی با اقدام خوب مدیران سیمای گسترده شده‌اند و این بهترین فرصت است تا به نیاز دو طرفه فیلمسازان سینمای کوتاه و مردم علاقه‌مند به این سینما پاسخ داده شود. در واقع آنتن تلویزیون می‌تواند در بخش‌هایی به وسیله فیلم کوتاه پر شود و این اقدام تاثیرات فرهنگی خوبی به همراه خواهد داشت. در حال حاضر علاقه‌مندی برای تولید و پخش فیلم کوتاه وجود دارد، اما از آنجا که به دنبال اقتصاد فیلم کوتاه هم هستیم و زمینه درآمدی در فیلم‌های کوتاه باعث تولید آثار بعدی می‌شود، حرکت تولید و پخش در این سینما از شرایط آرمانی به دور است. این یک واقعیت است که فیلم کوتاه، پلی برای رسیدن به سینمای حرفه‌ای نیست و جوان‌ها نباید فکر کنند برای دیده شدن فعالیت‌شان در عرصه سینما، حرکت در مسیر سینمای حرفه‌ای سازنده‌تر است.

درواقع این اتفاق می‌تواند در جای جای سینما بیفتد تا هم فشارها از روی سینمای حرفه‌ای برداشته شود و هم تنوع موضوعی بیشتری در فیلم داشته باشیم. در سینمای بلند به دلایل مسائل بازار، امکان پرداختن به بعضی موضوعات وجود ندارد اما فیلم کوتاه توانایی پرداخت به این ظرفیت‌ها را دارد.

این مسئول سینمایی اضافه می‌کند: باید با ایجاد زمینه برای دیده شدن فیلم کوتاه، سینماگران را به فعالیت در این عرصه ترغیب و مردم را با فیلم کوتاه آشنا کرد تا ذائقه مخاطبان ارتقا یابد. با تبلیغ و معرفی می‌توانیم در راه آشنایی مردم با فیلم کوتاه قدمی برداریم. اگر مردم نمونه فیلم‌های کوتاه برجسته دنیا را ببینند، حتما طرفدار سینمای کوتاه خواهند شد.

در جستجوی تعامل

اما وقتی گرایش عمومی به سمت دیدن کارهای

داستانی بلند سوق پیدا کرده و حتی رسانه‌های مهاجم نیز با این سناریو در اندیشه تاثیرگذاری بر افکار عمومی هستند، چگونه می‌توان راهی مجزا را برای ارتباط با مخاطبان گسترده تلویزیونی جستجو کرد؟ آیا یکی از این راه‌ها می‌تواند ترغیب مخاطب به ترک عادت‌های خود باشد؟

مسعود سفلائی، استاد دانشگاه و مدیر گروه سینمای دانشکده سینما و تئاتر سوره درباره این رویکرد می‌گوید: با وجود رسانه‌های جدید و شبکه‌های خانگی، مردم ناخودآگاه به سمت دیدن فیلم‌های بلند و سریال‌های ویدئویی گرایش پیدا کرده‌اند. بنابراین حجم دیدار کارهای داستانی بلند در آنها آن قدر زیاد است که دیگر فرصتی برای دیدن فیلم کوتاه به وجود نمی‌آید، اما این نباید به پاک کردن صورت مساله بینجامد و به هر حال باید این علاقه را میان مخاطبان ایجاد کرد. قرار دادن فیلم‌های کوتاه مناسب در جدول پخش برنامه‌های تلویزیونی یکی از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد این امکان باشد.

سفلائی با اشاره به این که نمایش برنامه‌هایی که بازده مالی و اقتصادی دارند در تلویزیون، طبیعی است، می‌گوید: این جریان منافاتی با پخش فیلم کوتاه ندارد و نباید از آن انتقاد کرد یا نمایش کارهای تبلیغاتی را مانع نمایش کارهای فرهنگی در



نکته مهم اینجاست که تکرار، الزام به وجود آمدن سلیقه است و سلیقه هم در لحظه به وجود نمی آید. ما

این کارشناس می‌گوید: در حال حاضر ۹۰ درصد تولیدات کوتاه ما برای مخاطب ایرانی ساخته نمی‌شود. شاید برخی کارشناسان و منتقدان معتقد باشند دلیل اصلی این رویکرد به فیلمساز و اشتباه او در شناخت مخاطب هدف برگردد؛ اما به نظر می‌رسد اگر در سینمای ایران، زمینه لازم برای نمایش فیلم کوتاه وجود داشته باشد، این فرضیه رد می‌شود؛ چراکه کارگردان ایرانی می‌تواند به خواسته خود که دیده شدن اثرش است، دست یابد. در واقع این ایراد به فیلمسازان کوتاه بر نمی‌گردد چون آنها در شرایط فعلی جایی برای نمایش فیلم‌های خودشان ندارند و احساس می‌کنند باید فیلم‌هایشان را باب میل جشنواره‌های خارجی بسازند و اگر این روند ادامه یابد، بعد از فعالیت مداوم در این عرصه، پس از

ضعف متولیان سینما

مهدی قربان‌پور، سازنده فیلم‌های کوتاه درباره علت نبود زمینه‌های لازم برای نمایش فیلم کوتاه در تلویزیون می‌گوید: بخشی از این مساله به ضعف ساختار نمایش فیلم کوتاه در ایران باز می‌گردد چرا که به نظر من، در ایران متولی نمایش فیلم کوتاه نداریم. بخش دیگر این کمداشت نیز به مجموعه‌های صنفی

قربان‌پور درباره راهکارهای موجود برای پخش فیلم کوتاه در تلویزیون می‌گوید: من معتقدم ابتدا باید به تعریف مشخصی برای عرضه و نمایش فیلم کوتاه برسیم و پس از آن به مخاطب فکر کنیم. این امکان هم وجود دارد که با توجه به نوع کارهایی که مخاطب می‌پسندد، فیلم کوتاه بسازیم. به هر حال باید عادت را در مخاطب تقویت کنیم تا گونه‌های مختلف سینمای کوتاه را تجربه کند. این کار به پژوهش گسترده احتیاج دارد. این شرایط باید به صورت برابر با سایر برنامه‌های تلویزیونی برای فیلم‌های کوتاه هم به وجود بیاید. شاید یکی از راهکارها، تفاوت قضاوت در برخورد با فیلم کوتاه، در مقایسه با سریال‌ها و مجموعه‌های نمایشی باشد. معمولاً فیلمساز کوتاه با تفکر مستقل فیلم خودش را می‌سازد و این انتظار می‌رود رویکرد تلویزیون به سمتی برود که به این استقلال اعتماد کند. سینمای کوتاه ما، هنوز سینمای جوان و مستقلی است که نیازمند فرصت برای دیده شدن است.



کوتاه کن این سخن که چون زر باشد



بی شک برای کسانی که با دنیای شعر و شاعری سر و کار دارند یا به عنوان مخاطب با آن دنیا زلفی گره می زنند، یکی از بهترین و شیرین ترین لحظات، زمانی است که با یک دوبیتی یا رباعی پرمغز یا تکبیت های شنیدنی مفخاری چون باباطاهر و خیام و صائب تبریزی یا به دنیایی وسیع می گذارند. هنر این ادیبان که موجب ماندگاری و تاثیر شگرف آنها بر مخاطب شده در اصل، چکیده کردن مفاهیم عمیقی است که اگر قرار باشد پیرامون آنها به بحث نشست، شاید ساعت ها و روزهای متمادی هم کفاف تحلیل و واکاوی را ندهد، اما این بزرگان مصداق بارز کم گوی و گزیده گوی چون در هستند.

این مقدمه را از آن نظر گفتم، چون یکی از شبیه ترین نمونه ها برای موضوع اصلی مورد نظر ما در این مطلب، یعنی فیلم کوتاه، همین اشعار کوتاه است که وجه شبه اش در ایجاد و همچنین ژرفای معانی است، هر چند در نگاه نخست این تصور ایجاد می شود که چنین آفرینش های هنری و ادبی به مراتب ساده تر از دیگر دسته بندی های مرتبط با خود هستند، اما باید به این نکته توجه داشت که دنیای فیلم های کوتاه فارغ از هر گونه حاشیه و اطناب سخن با توجه به محدودیت زمان و تولید به تصویر در می آید و طراح، فیلمنامه نویس و کارگردان باید تمام توان خود را به کار گیرد تا با یک به گزینی و چیدمان دقیق خرده تفکرات خود، برای تشکیل یک اندیشه کلی قابل قبول و ارائه یک محصول متفکرانه به مقصود و هدفی قابل تامل دست یابد. از زوایای دیگر، فیلم های کوتاه که در اصل با نگاهی به تاریخ سینما می توان به ریشه وجودی چند دهه ای آنها پی برد و در آثار پایه گذاران سینما و نامداران این عرصه (فارغ از اهمیت زیبایی شناسانه تمام آن آثار) از ژرژ ملی یس و گریفیث گرفته تا دیوید لینچ و اسکورسیزی با چنین آثاری مواجه شد، بستری هستند برای پا گرفتن و آغاز رشد و بلوغ هنری اشخاصی که پای در عرصه فیلمسازی و سینما می گذارند. عرصه ای که به جرات مفهوم ناب

سینمای مستقل که بسیاری برای فرار از ضعف محتوایی و تاکتیکی به فقدان آن متوسل می شوند را تنها در گستره فیلم های کوتاه می توان یافت. با این تفاسیر این عرصه ضمن حفظ جدیت و وجهه خود به اتمسفری آکادمیک برای رشد و نمو جوانان و فضایی تجربه گرایانه برای به فعلیت رساندن توانایی ها و استعداد های افراد دغدغه مندی است که از فرم تا محتوا در پی دنیایی جدید و بکر هستند و بی تردید خروجی این تولیدات بر سینمای بدنه کشور و در کل فضای آینده فیلمسازی ما تاثیر خواهد داشت. کما این که در دهه های گذشته این جریان بخوبی توانسته ضمن تولید و عرضه محدود محصولات قد علم کرده و خود را به اثبات برساند و گواه این مدعا نیز برگزاری چند جشنواره فیلم کوتاه مانند جشنواره فیلم کوتاه تهران، سینما حقیقت، جشنواره فیلم های صد ثانیه ای و بسیاری دیگر است که هر ساله با ترافیک مراجعان و ظهور نخبگان روبه رو می شود و ویتیرینی برای نمایش خلاقیت آنان می شود. با این همه باید به اثرگذاری و نفوذ چنین آثاری بر مخاطب اذعان

کرد و براحتی از کنار آنها نگذشت، هرچند مهم ترین خلل موجود بر سر راه پیشروی فیلم های کوتاه در جامعه، فقدان فضاهای مناسب برای پخش مداوم و مرتب این آثار است تا به صورت هدفمند و راهبردی، مخاطب را در یک تعامل مثبت برای پذیرش این مخازن فرهنگی و بهره وری از آن قرار داد. لذا باید برای دستیابی به یک راهکار عملیاتی و اجرای آن، ابعاد گوناگون را مدنظر داشت. فارغ از این که در حال حاضر سیستم پخش فیلم های کوتاه فاقد یک ساماندهی دقیق است و بسیاری از آنها از چرخه داخلی خارج شده و به جشنواره های خارجی هدایت می شوند، باید به این مهم توجه کرد که اختصاص سالن هایی برای پخش چنین آثاری در طول سال می تواند به ترمیم یکی از این خلأها منجر شود. از سوی دیگر هنگامی که بحث مخاطب به میان می آید نباید از پتانسیل های موجود در رسانه ملی به عنوان یک مرکز توجه و تجمع گذشت، هر چند در مدیریت سال های گذشته به این مقوله یعنی پخش فیلم های کوتاه بیش از پیش پرداخته شده

و جای امیدواری دارد که با طراحی یک برنامه صحیح و فراخواندن برنامه سازان و متولیان مرتبط با این امر و موشکافی در ابعاد گوناگون تبلیغاتی، تحلیلی و تولید، عادت مواجهه با فیلم های کوتاه را برای مخاطب ایجاد کرد تا به عنوان یک کالای فرهنگی اثرگذار روی آن حساب ویژه ای باز کند، هرچند غیر از این نیست و تلویزیون باید طبق سیاست فرهنگسازی و ارزش مداری دست به کار شود و نباید از سرمایه های موجود در کشور غفلت کرد، آثاری که پس از عبور از فیلتر جشنواره های داخلی و تأیید و تحسین آنها از لحاظ محتوا و ساختار، گردن سپیان روی آنها می نشیند و فقط به عنوان یک کالای تزئینی بر تاقچه خانه صاحب اثر تکیه می زند، هرچند تولیدکننده آن با کمترین چشمداشت مادی به دنبال دیده شدن اثر خود و ارتباط با مخاطب می گردد و این را می توان یک نیاز دوسویه برای تلویزیون و صاحبان فیلم های کوتاه دانست، حتی از نمونه های خارجی نیز نمی توان چشم پوشید که بسیاری از آنها سرشار از مفاهیم انسانی، ارزشی و اخلاقی است که ما در طول سال پی آن می گردیم. پس رسانه ملی که در دهه های اخیر توان پیشروی و همگامی خود را نشان داده و یکی از بزرگ ترین دغدغه های خود را غنای فکری مخاطب می داند، باید با ایجاد فضایی پویا برای استخراج تولیدات کوتاه فاخر و ارائه مدون و حساب شده آنها به مخاطب، بار دیگر گامی رو به تعالی برداشته و استعدادهای پنهان نسل حاضر را برای درخشش در آینده فیلمسازی سینما و تلویزیون کشور امیدوارتر کند. در نتیجه به نظر می رسد از تمام جهات اسباب ایجاد یک جاده فرهنگی دوطرفه هموار است و تنها باید نهادهای مرتبط که در تولید و کشف استعدادها در این زمینه فعال هستند با جدیت راههای مناسب را برگزیده و با حمایت مسئولان فرهنگی کشور و عزم و اراده ای مضاعف پا به مرحله عرضه بگذارند که در این مسیر نقش رسانه ملی حائز اهمیت است تا بسیاری از ارزش های انسانی مورد نظر را بدون حاشیه و دردسر و کوتاه و گزیده با زبان فیلم های کوتاه و در کالبد جعبه جادویی مقابل دیدگان مخاطب قرار دهد.

فیلم های کوتاه در ویتیرینی جذاب به نام تلویزیون

محمد جلیوند

فیلمسازی در عرصه فیلم های کوتاه، هر ساله بخش عمده ای از سینماگران جوان کشورمان را به خود مشغول می کند و جشنواره های متعددی نیز برای آن برگزار می شود، اما همواره سوالاتی جدی درباره تامین هزینه و چگونگی پخش و ارتباط با مخاطبان خویش مطرح است.

این موضوع مهم و حیاتی که با ذات سینما عجین شده متأسفانه آنچنان که باید در کشورمان جدی گرفته نشده و تنها اندکی از فیلم های کوتاه تولید شده با نمایش در جشنواره های بین المللی خریدار پیدا کرده اند و هزینه های خود را پوشش می دهند. بخش دیگر نیز با بهره گیری از جوایز نقدی جشنواره ها به حیات خویش ادامه می دهند و اساساً با توجه به اهداف جشنواره ها ساخته می شوند که همین مساله نیز به بسیاری از این آثار لطمه زده و آنها را به کارهایی سفارشی تبدیل کرده است. در همه کشورهای صاحب صنعت سینما به سینمای کوتاه نیز اهمیت داده و فکری برای چرخه اقتصادی و نمایش آن می کنند. در کشورهای اروپایی این توجهات بیشتر بوده و فیلم های کوتاه جدی گرفته شده و بسیاری از فیلمسازان آینده خود را پرورش می دهند. در این سیستم به چند شکل بازگشت سرمایه تضمین شده و صاحبان اثر نیز در معرض بازخوردهای کار خویش قرار می گیرند. نخست حمایت های دولت از طریق کمک های غیرنقدی و اعطای یارانه برای تولید که به سر پا نگهداشتن سینمای کوتاه و تجربی کمک شایانی کرده است. در

وهله دوم موسسات تجاری برای حفظ وجهه فرهنگی خود به سرمایه گذاری در آثار یاد شده اقدام کرده و در نمایش آن نیز پیشقدم می شوند. برای مثال می توان به خطوط هواپیمایی مشهور بین المللی اشاره کرد. فروش حق پخش آثار فوق به شبکه های تلویزیونی یکی دیگر از راه های کسب درآمد و تامین هزینه هاست که این روش سال هاست در کشورهای مختلف باب شده و از جهات گوناگون به نفع سازندگان فیلم های کوتاه است؛ زیرا در این چرخه علاوه بر تامین هزینه ها، مخاطبان زیادی با فیلم ها ارتباط برقرار کرده و بازخوردهای خوبی را به سازندگان آثار می دهند. شبکه آرته از جمله شبکه های یاد شده است که هر ساله فیلم های کوتاه بسیاری را پخش کرده و مخاطبان بسیار هم دارد.

اما اقتصاد سینمای کوتاه ایران کاملاً وابسته به دولت بوده و کمتر به راه های دیگر برای تامین سرمایه اندیشیده است. حمایت های دولتی از این سینما کار شایسته و قابل قدرانی است، اما شکل و میزان آن باید به گونه ای باشد که سینمای کوتاه احساس وابستگی شدید به آن نداشته باشد. وجود شبکه های متعدد تلویزیونی در کشورمان امکانی بالقوه را برای خریداری و نمایش فیلم های کوتاه به وجود آورده که متأسفانه به فعل نرسیده است؛ البته معدود جرقه هایی در این باب زده شده که هیچ یک ادامه نیافته و به یک سال هم نرسیده است. برای مثال می توان به برنامه نمایش هفتگی فیلم های کوتاه از شبکه دو سیما در یک دهه قبل اشاره کرد که با وجود بازخوردهایی مناسب، ادامه پیدا نکرد. گستردگی مخاطبان شبکه های یاد شده این

امکان را در اختیار فیلمسازان جوان که این روزها به مدد پیشرفت های تکنولوژیک چند برابر سال های گذشته شده می گذارد تا بی واسطه با مخاطبان خویش ارتباط برقرار کنند. همچنین شبکه های تلویزیونی می توانند با خرید حقوق پخش فیلم های کوتاه به پخش آن در کنار آگهی های بازرگانی خود لایه لای مجموعه های پربیننده، مبادرت ورزند. بسیاری از این دسته آثار زمان اندکی دارند و بشدت مناسب پخش به این شیوه هستند.

جنبه آموزشی فیلم های کوتاه نیز مقوله دیگری است که تا امروز کمتر به آن توجه شده و تلویزیون به عنوان یک رسانه فراگیر بخوبی می تواند از آن در جهت اهداف آموزشی اش بهره بگیرد. از سوی دیگر در سال های اخیر فیلم کوتاه با فیلم مستند اشتباه گرفته شده و مخاطب عام نیز از یک فیلم کوتاه انتظارات یک کار مستند را دارد، در حالی که این دو گروه تفاوتی بسیار با یکدیگر



جنبه ها، بهترین فیلم کوتاه جشنواره فیلم های ایرانی لندن

داشته و هریک هویت مستقلی دارند. علت این مساله نیز به علاقه وافر فیلمسازان جوان به مستندگرایی برمی گردد که گاه به افراط کشیده می شود. با تاسیس شبکه مستند، گام های بلندی در این ارتباط برداشته شده و به مرور مخاطبان متوجه تفاوت های بنیادین سینمای مستند و فیلم های کوتاه خواهند شد. در این میان جای خالی برنامه ای تخصصی در حوزه فیلم های کوتاه کاملاً به چشم می آید که به شکل بالقوه قابلیت جذب مخاطبان جدی تر این دسته از آثار را دارد.

سینمای کوتاه با آن که در دو دهه اخیر چندان جدی گرفته نشده، ظرفیت جذب مخاطب از طریق قاب کوچک تلویزیون را دارد مشروط بر آن که یک برنامه ریزی مدون برای آن صورت گرفته و هدف گذاری کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برای آن لحاظ شود.



«یادآوری»؛ یک اتفاق تازه

نگاهی به ویژگی های فیلمنامه ای که به پرمخاطب شدن یک سریال انجامید

رضا آژ

سریال تلویزیونی «یادآوری» به عنوان اولین سریال تولیدی شبکه «آی فیلم»، در همان قسمت های ابتدایی با اقبال خوبی از سوی مخاطب روبرو شد، به گونه ای که طبق نظرسنجی های انجام شده، جزو پربیننده ترین سریال های تلویزیونی در ماه های گذشته محسوب شده است.

فیلمنامه یادآوری را رویا غفاری نوشته و کارگردانی آن

مریم عباس زاده

رویا غفاری، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا در رشته ادبیات نمایشی است. او فیلمنامه سریال تلویزیونی یادآوری را به کارگردانی حجت قاسم زاده اصل نوشته که پخش آن چندی پیش از شبکه آی فیلم شروع شده است. این سریال روایتگر مفاهیم مرگ و زندگی است و نویسنده این سریال تلاش کرده با تعدد شخصیت ها و قصه ها رنگ و لعاب متفاوتی به این مجموعه بدهد. قرار گرفتن درست شخصیت ها در داستان و خلق لحظات تاثیرگذار در طول سریال نشان می دهد نویسنده خوش ذوق و قریحه ای پشت کار وجود داشته است. از این رو با رویا غفاری درباره چگونگی شکل گیری این مجموعه به گفت و گو نشستیم.

چه شد تصمیم گرفتید مضمون مرگ و زندگی را دستمایه فیلمنامه خود قرار دهید. موضوعاتی در مورد افرادی که یک بار مرگ را تجربه کرده و به یک پیش آگاهی رسیده بودند نگارش این متن سفرashi بود؟

سازمان و به طور مشخص آی فیلم سفارشی در این مورد نداشتند. مرکز فیلم و سریال آی فیلم تازه تاسیس شده بود و به دنبال طرح مناسب برای تولید بودند. در آن زمان من ایده ها و داستان هایی برای سریال داشتم. شروع کردم به کار منسجم روی طرح و بعد از شش ماه که طرح آماده شد، آن را ارائه کردم و بقیه مسیر قرارداد و نگارش و بازنویسی طبق نظر شورا هم طبق عرف طی شد که در مجموع ۱۸ ماه به طول انجامید. انتخاب ایده هایی که به نگارش فیلمنامه یادآوری منجر شد توسط خود من بود. آن چیزی که برای من خیلی جذابیت دارد بحث ارتباط جهان هاست. این یکی از محورهای تخیل برانگیز مرا تشکیل می دهد و معمولاً هم دوروبر آن مطلب می خوانم و از فکرهای جدید در این عرصه لذت می برم. در کنار این، بحث های دیگری هم وجود داشت و آن مرگ و زندگی،

را حجت قاسم زاده اصل به عهده داشته است. کارگردانی که علاوه بر ساخت چند سریال و تله فیلم، در کارنامه خود نگارش فیلمنامه چند فیلم سینمایی را به عهده داشته و فیلمنامه بیشتر آثارش را نیز خودش نوشته است.

یادآوری، روایت انسان هایی است که مجال دوباره زندگی کردن را یافته اند و به عبارت دیگر، قصه آدم هایی است که یک بار می میرند و دوباره به زندگی بازمی گردند. در واقع، مرگ و زندگی، محور موضوعی اصلی یادآوری به شمار می رود و شخصیت های داستان این سریال،

آدم هایی هستند که سرنوشت، آنها را به هم پیوند زده و در جستجوی رازها و اسرار پنهان و پیدای زندگی، با مسائل و اتفاقات جدید و جالب روبرو می شوند و به منطقی تازه و نو از زندگی دست می یابند.

آنچه در این سریال به آن پرداخته شده، زاویه نگاه جدیدی به مفاهیم قدیمی مرگ و زندگی است و شخصیت ها، ناخواسته از اتفاقات روزمره زندگی تاثیر می گیرند و این درشرایطی است که تاکنون به آن اتفاقات توجهی نداشته اند.

زندگی با شخصیت های قصه

گفت و گو با رویا غفاری نویسنده سریال یادآوری

بحث تحقیق برای من جدی است. تحقیقات زیر متن به کار قوت می دهد و آن را باورپذیر می کند. اما بخش بزرگی از کار تخیل است. در یادآوری، تحقیقات گسترده ای درباره تجربه مرگ تقریبی، دیابت و مسائل حقوقی مربوط به قصاص انجام دادم، اما تحقیق به تنهایی نمی تواند به وجود آورنده داستان باشد. داستان، شخصیت و ماجرا از تخیل زاده می شود. همه چیز از تخیل زاده می شود، حتی مسئولیت هایمان.

مجموعه یادآوری یکی از مجموعه هایی است که شخصیت های متعدد و داستان های زیادی در آن روایت می شود. برایتان سخت نبود این همه داستان و شخصیت را خلق کنید و در نهایت به سرانجام برسانید؟

این فیلمنامه، فیلمنامه بسیار سختی بود و برای همین هم ۱۸ ماه از طرح تا نگارش آن زمان برد و گرنه شاید مدت زمان کمتری به آن پرداخته می شد. البته این ۱۸ ماه که می گویم شش ماه روی طرح و تحقیق، شش ماه روی نگارش و شش ماه روی بازنویسی وقت گذاشته شد. اما برای جواب به این سوال بهتر است کمی از خودم بگویم. من دانش آموخته ادبیات دراماتیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. با استادان بسیار خوبی مثل شادروان اکبرآبادی و خسرو حکیم در ارتباط بودم. سال هاست می نویسم و تحقیق می کنم و می کوشم دانش نویسندگی ام را ارتقا بدهم. نویسندگی را با داستان نویسی شروع کردم. با نمایشنامه نویسی ادامه دادم و بعد به فیلمنامه نویسی رسیدم. نویسنده شدن یک شبه اتفاق نمی افتد. من از راه دوری می آیم و تجربه های تلخی هم در دنیای نویسندگی از سر گذرانده ام. یاد گرفته ام

روند شکل گیری و خلق شخصیت ها در این سریال آن قدر پیچیده است که بویژه در قسمت های اولیه، گاه مخاطب قادر به هضم آنها نیست و به نظر می رسد نویسنده به عمد این شرایط را به وجود آورده و سعی کرده برای تشریح و بازایی شخصیت ها، مخاطب را تا انتهای سریال و قصه با خود همراه کند. در حقیقت داستان بر محور ماجراهای متفاوت طراحی شده که ابتدا با داستان علی علایی شروع می شود و شخصیت های بعدی به گونه ای هوشمندانه به داستان اضافه می شوند و بر تنوع و جذابیت داستان می افزایند.

تنوع ماجراها و داستان های متفاوت و ربط زیرکانه آنها با هم، از شاخصه های ویژه متن این سریال بوده که آن را از سایر سریال ها و فیلم های تلویزیونی متمایز کرده است.

فیلمنامه یادآوری با داستان های متفاوتی آغاز می شود و نویسنده می تواند در همان آغاز بیننده را قانع کند محوریت داستان روی علی و موضوع قصاص است، اما این بار خالق داستان با پرداختن نو و جدید به این موضوع (که به صورت بالقوه موضوعی دراماتیک بوده و در بردارنده تنش ها و کنش های حسی و عاطفی خاص خود است) نگاه کرده و توانسته است در کنار آن سایر موضوعات جانبی (مانند مرگ و عشق و انتقام) بر جذابیت بیش از پیش داستان بیفزاید. توجه به جفت و بست محکم فیلمنامه و منطقی روایی داستان در یادآوری سبب شده مخاطب بخوبی متوجه قصه بشود و با دقت موضوع داستان را دنبال کند.

سریال یادآوری را شاید بتوان بنا بر سؤزه خاص آن، در زمره کارهای معناگرا هم قرار داد. سریال معناگرایی که البته برخلاف بسیاری از نمونه های مشابه که مخاطب خاص دارند و کم بیننده اند، توانسته با ارائه یک فضای باورپذیر و البته بازی های جذاب، حسی و دشوار بازیگرانی چون روزبه حصار، ناصر آقایی و... مخاطب گسترده تری به خود جذب کند و به عنوان یک سریال پربیننده، گوی سبقت را از شبکه های اصلی صدا و سیما در جذب حداکثری مخاطب بریابد.

مادامی که مشغول نوشتن هستم به خود سخت بگیرم. کمتر بخوابم و بیشتر فکر کنم. با شخصیت هایم زندگی کنم. به شناسنامه شان فکر کنم و دنیا را از نگاه آنها ببینم و آن قدر در این مسیر جلو بروم که داستان و شخصیت جزئی از خاطرات شخصی ام شوند. پس از این مرحله تنها صداقت در روایت لازم است و البته تکنیک نویسندگی تا فیلمنامه نوشته شود، کار آسانی نیست و فیلمنامه یادآوری هم واقعا کار سخت و نفسگیری بود، اما من برای انجام آن آماده بودم. طراحی داستان یادآوری را با روش پیکره بندی انجام دادم و روی جزئیات داستان خیلی کار کردم. از ابتدا می دانستم کار بزرگی را شروع کرده ام. کار بزرگ به قول تیمور عرضه می خواهد. کمی آرمانگرایی هم داشتم. دلم می خواست یادآوری آغازگر تغییر ذائقه مخاطب باشد و او را به دنیاهای جدیدی فرا بخواند و با شخصیت های جدیدی آشنا کند که مثل دیگران حرف نمی زنند.

انتقادی که برخی به کار وارد کردند این است که اعتقاد دارند دیالوگ های خیلی فیلسوفانه است. شما چقدر این موضوع را قبول دارید؟

ظاهر موضوع این طور است که فیلمسازان واقعیت ها را می سازند، اما من فکر می کنم ما با استفاده از واقعیت جاری، واقعیت ذهنی خود را می نویسیم و می سازیم. ولی این واقعیت ذهنی به شکلی شگفت انگیز برای دیگران هم جذابیت پیدا می کند. شاید همه آدم ها در زندگی روزمره این طور حرف نزنند، اما آدم هایی که عصاره وجودشان را در کلام منعکس می کنند همین طور حرف می زنند. من دوست دارم دیالوگ، زمینه ارتباط فکری مخاطب با متن را فراهم کند، البته این شکل از دیالوگ نویسی بخشی برگرفته از واقعیت آدم هاست و بخشی هم برگرفته از سلیقه من است. اسم فیلسوفانه حرف زدن رویش نمی گذارم، اما همان طور که گفتم فکر می کنم این آدم ها عصاره وجودیشان را در سخنان خود بیان می کنند.

به چهارراه طرشت نمی‌خورد کوچه‌های دنج و خانه‌های حیاط‌دار و حوض‌دار داشته باشد. بیشتر انگار باید منتظر این بود که غرب تهران را آستن ترافیک و شلوغی و... ببینید. اما این خانه در عین این که کوچک به نظر می‌آید حیاط و حوضی دارد که اتاق‌های آن سمت حیاط را از این طرفی‌ها جدا کرده است. دیوار حیاط هم به اندازه یک در به حیاط کناری متصل شده و خانه سمت راستی را هم به لوکیشن وصل کرده است؛ البته از آن خانه فقط برای کارهای پشت صحنه استفاده می‌شود؛ گریم و لباس و... جز این خانه که لوکیشن اصلی است، مجموعه «خوب، بد، زشت» ۲۴ لوکیشن دیگر هم دارد. ماجرا از این قرار است که «آقا سیفی» استاد بنای ماهر و باتجربه‌ای است که هیچ دیوار کجی را بالا نبرده و در دستکاری زبانزد خاص و عام است. او خانواده پرجمعیتی دارد که نان حلال خورده‌اند و دخترانی که مایه مباحث هستند. هر یک نیز به کاری مشغولند، اما ته‌تاری استاد، پسری دردانه است که مدام دل دیگران را می‌رنجانند. این پسر یک روز تصمیم می‌گیرد مسیر زندگی خود را عوض کند و این شروع ماجراست... عوامل مجموعه «خوب، بد، زشت» می‌خواهند با این مجموعه به قول خودشان شبکه دو را دوباره احیا کنند. میثم بیدقی، دستیار دو کارگردان برای تمرین بازیگران را به اتاق سوسن، آن طرف حیاط راهنمایی می‌کند.

خوب، بد، زشت

علیرضا سبط‌احمدی، تهیه‌کننده این مجموعه می‌گوید: «خوب، بد، زشت سریالی نوروزی و تولید شبکه دوی سیماست که از ۱۵ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای آن به اندازه سه قسمت، یعنی ۲۰ درصد کار فیلمبرداری شده است.» این تهیه‌کننده ادامه می‌دهد: «از بیست و سوم دی‌ماه این کار آغاز شده و اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود تا آخر اسفندماه کار آماده پخش خواهد بود، اگر نه باید در حین پخش نوروزی نیز درگیر اتمام قسمت‌های باقی مانده باشیم.» سبط‌احمدی درباره نحوه آغاز این مجموعه تلویزیونی توضیح می‌دهد: «همه شبکه‌ها برای ایام نوروز، رمضان و... دست به تولید مجموعه‌هایی می‌زنند که مایه‌های اجتماعی، طنز، خانوادگی و... دارد. طرح این مجموعه نیز چندماه پیش از تولید توسط محسن کیایی و علیرضا کوچکی نوشته شد و پس از آن بابک کایدان آن را بازنویسی کرد و برخی موارد در آن گنجانده شد.» او درباره انتخاب منوچهر هادی به‌عنوان کارگردان اضافه می‌کند: «در کارهای مناسبتی به خاطر ضرب‌الاجلی که دارند، نیاز به نیروی مضاعفی هست که کارگردانان جوان راحت‌تر از عهده‌اش برمی‌آیند. من نیز دنبال

کارگردان جوان و نوگرایی بودم که هادی را برای این کار نسبت به سابقه‌ای که داشت مناسب دیدم.» علیرضا سبط‌احمدی زمان پخش خوب، بد، زشت را با توجه به کنداكتورهای شبکه دو و مناسبتی بودن کار احتمالا ۲۱ تا ۲۲ و ۳۰ دقیقه می‌داند. او همین‌طور درباره اسم کار می‌گوید: «براساس شخصیت‌ها و داستان این نام را انتخاب کردم. اسم اولیه کار بدنام بود که به خوشنام تغییر پیدا کرد و پس از آن من براساس شخصیت‌های این کار اسم خوب، بد، زشت را که در مجموعه مابه‌ازای بیرونی دارد، روی کار گذاشتم. اما در صورتی که اسم بهتری انتخاب شود، نام کار تغییر پیدا خواهد کرد.» او همچنین در پایان به تیتراژ و موسیقی مجموعه اشاره کرده و می‌گوید: «هنوز برای این مجموعه در حال مذاکره هستیم. در صورتی که ۵۰ درصد کار تدوین شد، آن زمان می‌توانیم درباره تیتراژ هم اقداماتی انجام دهیم.»

اسم این مجموعه تغییر می‌کند

منوچهر هادی، کارگردان مجموعه تلویزیونی «خوب، بد، زشت» درباره انتخاب خودش از سوی شبکه و تهیه‌کننده به‌عنوان کارگردان می‌گوید: «پس از ساخت مجموعه تلویزیونی خداحافظ بچه بود که فیلمنامه خوب، بد، زشت به من پیشنهاد شد. آقای سبط‌احمدی با من تماس گرفت و فیلمنامه را در اختیار من قرار داد. با خواندن فیلمنامه از طرح کلی آن خوشم آمد، اما نوع پرداخت را نمی‌پسندیدم. قرار بر این شد در صورتی که بخواهند من کارگردان اثر باشم، فیلمنامه بازنویسی شود. چون جنس متن با ذائقه من سازگار نبود. این بود که برخی از شخصیت‌ها کم شدند و بحث‌هایی کردیم و آقای کایدان، نویسنده فیلمنامه روی شخصیت‌ها کار کرد. با شخصیت‌ها نیز درباره نقش‌هایشان صحبت کردیم.» هادی ادامه می‌دهد: «۱۲ جلسه کار کردیم که حدودا سه قسمت می‌شود.» او که تا امروز

گزارش «قاب کوچک» از پشت صحنه مجموعه تلویزیونی «خوب، بد، زشت»

لطایف خانوادگی «آقا سیفی» در نوروز ۹۳

همه کارهایش را خودش تدوین کرده است درباره تدوین همزمان این مجموعه تلویزیونی می‌گوید: «همه کارهایم را خودم تدوین می‌کنم، اما تدوین این مجموعه هم با بهرام دهقان است و از این بابت خیالم راحت است.» هادی که پیش از این بیشتر به ساخت فیلم سینمایی شهرت داشت، درباره کار در سیما و ساخت آثار تلویزیونی اضافه می‌کند: «اساسا حرفه‌ای‌ترین و لذت‌بخش‌ترین نوع فیلمسازی این است که شرایط برای فراهم باشد و فیلم سینمایی بسازی. حتی بعد از سینمایی خیلی دوست دارم تله‌فیلم هم بسازم، به خاطر همان زمان ۹۰ دقیقه‌ای‌اش. چون با زمان و دقت بیشتری می‌توانید کار را انجام دهید، اما در سریال مخصوصا مجموعه‌های مناسبتی که زمان پخش مشخصی دارند، زمان برای ساخت کمتر است و کار باعجله ساخته می‌شود و باید با هوشمندی زمان را طوری برنامه‌ریزی کنیم که مانند دیگر مجموعه‌ها دچار افت ۲۰ و ۳۰ درصدی نشویم؛ نه این که قسمت یک تا پنج با کیفیت بالا فیلمبرداری شود و کم‌کم کیفیت پایین آید.» کارگردان مجموعه تلویزیونی «خداحافظ بچه» در پاسخ به این که آیا قصد دارد سریالی فصلی (سیزنی) و چند قسمتی برای سیما بسازد، می‌گوید: «با محمدرضا شفیعی طرحی را آماده کرده‌ایم تا پس از این کار آغاز کنیم. مجموعه‌ای در سه فصل ۳۰ قسمتی که ۹۰ قسمت خواهد شد، اما با توجه به این که الان مردم با مشکلاتی که دارند حوصله پیگیری هفتگی مجموعه‌ای را ندارند، ترجیح سازندگان نیز بر این است که هر شب با آن درگیر باشند.» او می‌گوید ترجیحش بر این است که سریالی بسازد که مردم را سرگرم کند و بعد از هر قسمت حالشان خوب شود و منتظر قسمت بعدی باشند. در آن زمان است که به گفته خودش فکر می‌کند کارش را خوب انجام داده است.

هادی که در بن‌مایه کارهایش کم‌رنگی دیده می‌شود، درباره این کارهای تلویزیونی خود معتقد است: «در کل کم‌دیهایی که می‌سازم در فضایی رئال و مبتنی بر طنز موقعیت است. همه اتفاق‌ها نیز براساس آنچه نوشته شده است می‌افتد و ما به متن قائل هستیم. هر چند اگر بازیگری پیشنهادی داشته باشد به آن توجه خواهد شد، اما نمی‌تواند بداهه چیزی بگوید و هر کار خواست بکند. درباره همه کارها مشورت می‌شود و سعی می‌کنیم فضا را باز و صمیمی نگه داریم و به کیفیت



کار فکر کنیم.»

منوچهر هادی در تعریف مجموعه تلویزیونی خوب می‌گوید: «اگر انتخاب‌ها درست باشد؛ از فیلمنامه تا بازیگر و عوامل، کار خوب از آب در خواهد آمد، اما بی‌انگیزگی بازیگر و عوامل روی مجموعه تاثیر خواهد گذاشت.» کارگردان فیلم سینمایی «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» اسم مجموعه را مورد نظر و علاقه خود ندانسته و اضافه می‌کند: «اسم این مجموعه بی‌شک تغییر پیدا خواهد کرد، این اسم پیش از ورود من انتخاب شده بود و اکنون به فکر هستیم تا نام دیگری انتخاب کنیم و پیشنهادهایی شده است، اما هنوز اسم قطعی برای این کار انتخاب نشده است.» هادی در پایان به همبستگی و دوستی بین عوامل فیلم اشاره کرده و می‌گوید: «عوامل این مجموعه خیلی با انگیزه کار می‌کنند و تا امروز چنان عوامل هم‌دلی نداشتم. از سویی مدیر شبکه دو، نیز مدیر محترم و پیگیری است و چه با ما و چه نویسنده در ارتباط است و کار را مدام دنبال می‌کند و اختیار تام به کارگردان داده است. اما نکته جالب این است، زمانی که این شبکه به من پیشنهاد ساخت کاری داد شاید، در ابتدا و همواره نظرم این بود با این شبکه همکاری نکنم، زیرا این شبکه هیچ‌گاه ساخته‌هایش را تبلیغ نمی‌کند و آنونس‌های آن را پخش نمی‌کند، اما با صحبت‌هایی که با مدیر شبکه داشته‌ایم، قرار است این کار که در رقابت با کارهای شبکه‌های دیگر است، تبلیغ شود.»

شخصیت‌های این کار، فرزندان من هستند

حسین محب‌اهری که نقش آقا سیفی را در این مجموعه دارد و پدر خانواده است درباره حضورش در این مجموعه می‌گوید: «سال گذشته بود که برای نخستین بار در ایام عید مجموعه پایتخت ۲ را بازی کردم و مخاطبان بیشتری داشتم. امسال نیز منوچهر هادی بازی در این مجموعه را به من پیشنهاد کرد. با این که می‌خواستیم در این ایام دوباره در تلویزیون باشیم، فیلمنامه اولیه را که خواندم دیدم چنگی به دل نمی‌زند، اما پس از آن که بازنویسی فیلمنامه را توسط کایبدان خواندم بازی در این مجموعه را قبول کردم.» محب‌اهری که به استثنای این مجموعه مشغول بازی در «معمای شاه» است، ادامه می‌دهد: «تنوع شخصیت‌ها در این مجموعه را دوست داشتم. شخصیت‌های این کار که فرزندان من هستند تیپ‌های مختلفی از جامعه‌اند؛ یکی اهل اینترنت و دنیای امروز است و دیگری بسیار سنتی است.» بازیگر سریال «سربداران» اضافه می‌کند: «هر روز که از کار گذشت احساس کردم چقدر خوب پیش می‌رود و نقش‌ها همه شخصیت گرفته‌اند و از تیپ بودن بیرون آمده‌اند. این شخصیت که پدر خانواده است با همه افراد خانواده درگیری‌های خاصی دارد که به نظرم مجموعه خوبی از آب در خواهد آمد.»

بهاره، بهنوش و سوسن؛ ۳ خواهران

رسول سیدعربی طراح گریم و مینو قبادی دستیارش، همراه مه‌لقا ناقد طراح لباس بازیگران را برای گرفتن صحنه‌ای در اتاق سوسن آماده می‌کنند. بهاره رهنما که نقش خواهر بزرگ خانواده را با نام «بهاره» بازی می‌کند. درباره انتخاب شدنش برای این نقش می‌گوید: «گرچه سومین همکاری‌ام با منوچهر هادی است، اما بیشتر متمرکز روی نوشتن و کارگردانی و تئاتر هستم و کمتر در تلویزیون بازی می‌کنم و بیش از این وقت ندارم. این بار هم برای کار دیگری دعوت شده بودم که لغو شد و پس از آن هادی به این طرح اضافه شد و مرا به آن مجموعه دعوت کرد. او رئال اجتماعی کار می‌کند و قصه‌ها را در حین کار به ما می‌رساند. گرچه ما هم درباره نقش‌مان پیشنهادهایی می‌دهیم، اما به انسجامی می‌رسیم و فیلمبرداری آغاز می‌شود.» رهنما ادامه می‌دهد: «چون مادر خانواده فوت کرده است، بعد از امین حیایی که برادر بزرگ خانواده است، من هستم که خواهر خانواده‌ام و خیاطی می‌کنم. امور عاطفی و تصمیمات خانه هم با من است. خیلی این نقش را دوست دارم و به نظرم نمونه‌ای از همه خانم‌های ایرانی است که به خاطر خانواده، خواهران و برادران

از خودگذشتگی می‌کنند.» بهاره مجموعه تلویزیونی «خوب، بد، زشت» اضافه می‌کند که در کل بازی در مجموعه‌های مناسبی را که عید و ماه رمضان پخش می‌شود بیش از مجموعه‌های دیگر دوست دارد.

نقش «سوسن» مجموعه «خوب، بد، زشت» را که سوسن پرور بازی می‌کند، دختر کوچک خانواده است که عروسک‌سازی می‌کند و دغدغه‌های اجتماعی دارد. پرور درباره این نقش می‌گوید: «سوسن بیش از آن که خود را دوست داشته باشد، دیگران را دوست دارد. او مدام نگران مردم و مشکلات آنهاست؛ از منابع طبیعی و مشکلات اقتصادی گرفته تا معضلات اجتماعی و... او شخصیت دوست‌داشتنی دارد و اگر نمونه‌های بیشتری از این



قابل درکی ارائه کنیم.» بختیاری که منتظر نقشی درام و جدی‌تر است از بانک اطلاعاتی کارگردانان گالیه کرده و می‌خواهد در کار متفاوت‌تری ظاهر شود، گرچه سعی دارد نقش‌های خوب را از این پس انتخاب کند، هرچند تکراری به نظر برسند. او درباره بالا رفتن سطح سلیقه عمومی مردم نسبت به دیدن فیلم و سریال می‌گوید: «مردم ما خیلی باشعور و دقت مجموعه‌ها را انتخاب می‌کنند و متوجه کار خوب و بد هستند. به همین دلیل کار ما سخت‌تر می‌شود. به همین دلیل است که منوچهر هادی انرژی مضاعف برای نجات کار می‌گذارد، اما یک نفر نمی‌تواند نجات دهنده همه آدم‌ها باشد. همه باید دست به دست هم بدهند تا وضع موجود بهبود پیدا کند. هر کس باید در زمینه خود تلاش کند و از سونامی چند شغله بودن جدا شویم تا با دقت بیشتری در زمینه شغلی خودمان فعالیت کنیم.»

من و آوینا با مامان بهنوش

عرفان برزین بازیگر خردسال این مجموعه که پیش از این در مجموعه و فیلم‌های مختلفی بازی کرده است، درباره انتخابش



در این نقش می‌گوید: «احتمالا به خاطر بازی‌های پیشین برای این کار انتخاب شده‌ام.» بازیگر خردسال مجموعه «دیوار» می‌گوید: «متولد نیمه دوم سال هستم و سال دیگر به مدرسه می‌روم. در این مجموعه بهنوش بختیاری مادرم و آوینا خواهر بزرگ‌ترم است. مادرم با پدرم قهر کرده و ما آمدیم خانه آقای محب‌اهری، پدر بزرگم. اسمم هم در نقشم همین عرفان است مثل اسم واقعی‌ام.» برزین که سال گذشته در جشنوار کودک بازیگر نقش اول شد، در ادامه می‌گوید: «خیلی خوشحالم که با آقای هادی و خاله رهنما بازی می‌کنم که برای عید پخش می‌شود.» او درباره ادامه این حرفه برای آینده‌اش می‌گوید: «اگر به مدرسه بروم کمتر فیلم بازی می‌کنم، اما در آینده می‌خواهم کارگردان شوم.» رضا بقایی منشی صحنه، محمدرضا نجفی مدیر تولید، مجتبی طاهرخانی برنامه‌ریز، عبدالله عبدی‌نسب مدیر تصویربرداری، بهروز فرخی نورپرداز، محمدحسین غفاری صدابردار و محسن غلامی طراح صحنه همگی در حیات کنار حوض ایستاده‌اند و با کارگردان درباره پلان جدید مشورت می‌کنند که بازیگران می‌رسند و سه دو یک، فیلمبرداری آغاز می‌شود.



است. نمی‌توان گفت کسی که اهل اینترنت و به روز باشد آدم بی‌خیالی است.» او درباره حضورش در این مجموعه می‌گوید: «از قبل هم با هادی آشنایی در پشت صحنه داشتم و ناظر رشدش در این سال‌ها بوده‌ام. به خاطر اعتماد به او هم بود که وارد این مجموعه شدم؛ البته متن خوب و طنز فهیمی دارد و متکی بر لودگی نیست.» بختیاری اضافه می‌کند: «تفاوت شخصیت بین من و بهاره درآمده است و هیچ یک به دیگری برتری ندارد، چون کار طنز است باید بالانس کار درآید. سعی داریم شخصیت‌های معقول و

شخصیت در جامعه بود می‌توانستیم مطمئن باشیم فرزندانمان در محیط سالم‌تری زندگی می‌کنند.» او درباره ورودش به این پروژه ادامه می‌دهد: «تغمه نظری، دستیار اول کارگردان با من تماس گرفت و نقش را پیشنهاد کرد. از زمانی که با عطاران کار کرده بودم دیگر برای بزرگسالان کار نکرده بودم و برایم جذاب بود این نقش را باز کنم.» سوسن پرور اضافه می‌کند: «این مجموعه تلویزیونی متن خوبی دارد و آقای کایدان بسیار زحمت کشیده و به نظرم مجموعه خوبی از کار درآید.»

بهنوش بختیاری خواهر وسطی خانواده که دو پچه دارد و به قهر به خانه پدری آمده، چندان مادر لایقی به نظر نمی‌رسد. بهنوش مجموعه خوب، بد، زشت درباره نقشش می‌گوید: «خیلی وقت بود که نقش مادر را بازی نکرده بودم، اما بهنوش اینجا مادر دو پچه است، نه این که مادر بدی باشد و بچه‌هاش را دوست نداشته باشد، نه! نوع دیگر دوست داشتنش را نشان می‌دهد. او امروزی است و نگران آینده فرزندانش است. او کمی متجدد و اهل شرایط امروزی‌تر و مدرن‌تری

اینجا هیچ پرسشی بی پاسخ نمی ماند

مریم کریمی

برای تهیه گزارش از پشت صحنه برنامه زنده «بحث روز» با هماهنگی قبلی به ساختمان رادیو در میدان ارگ می روم. در ورودی ساختمان رادیو، بنر خیر مقدم سیدحسین هاشمی، استاندار تهران را زده اند. از شلوغی همان راهروی ورودی به استودیو می توان حدس زد که بجز عوامل برنامه، جمعی نیز به عنوان مهمان حضور دارند.

موضوعات روز جامعه در حوزه های مختلف اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه زنده بحث روز واکاوی می شود. این برنامه کاری از گروه علم و زندگی شبکه رادیویی تهران است که ضمن ارائه اطلاعات به شنوندگان، شرایط لازم را برای ارتقای آگاهی و دانش آنها فراهم می کند تا ضمن آماده سازی زمینه ها در تحقق حقوق شهروندی، تقویت روابط اجتماعی و خانوادگی، ارتقای فرهنگ و مدیریت زندگی گامی موثر برداشته باشد.

با این که عقربه های ساعت حدود ۱۳ ظهر را نشان می دهد و تا شروع برنامه نیز نیم ساعتی باقی است، اما عوامل برنامه ساز و همراهان استاندارد در استودیو حضور دارند.

رضا قربانی از تهیه کننده های قدیمی، تهیه کنندگی برنامه بحث امروز را به عهده دارد. وقتی علت حضور استاندارد را از او می پرسم، می گوید: یکی از وظایف خطیر ما در رسانه توجه به نیازهای مردمی است، زمانی که ما از مسئولان برای حضور در برنامه دعوت به عمل می آوریم به این دلیل است که به دغدغه ها، مشکلات جامعه و افراد توجه داریم. مسئولان در این برنامه ها به طور مستقیم با شنونده ها در ارتباط خواهند بود و مردم نیز بدون واسطه مسائل و مشکلات خود را با آنها در میان می گذارند. یکی دیگر از محورهای دعوت از مسئولان ارائه برنامه های آتی آنهاست. به عبارتی شهروندان از برنامه ریزی ها یا تدابیر آن نهاد، ارگان یا سازمان، آگاه می شوند. در ضمن عملکرد آنها نیز طی ماه های گذشته با جزئیات به اطلاع مردم می رسد.

قربانی در پاسخ به این پرسش که بیشتر چه پرسش هایی در این برنامه مطرح می شود، می گوید: ما طی روزهای گذشته و در طول پخش برنامه ها و از طریق واحد روابط عمومی حضور مهمان برنامه را اعلام می کنیم تا شنونده ها از طریق پیامک و تلفن با ما در ارتباط باشند. بیشتر پرسش ها نیز بر مبنای همین تماس ها و پیام ها طراحی می شود. به عبارتی ما پل ارتباطی مسئولان و مردم هستیم تا خواسته آنها را شفاف و رسا به گوش مسئولان برسانیم.

در شلوغی فضای داخل استودیو، بسختی صدا به صدا می رسد. تقریباً همه دست اندرکاران در استودیو حضور دارند، البته مهمان برنامه نیز یک ساعت زودتر رسیده و تصمیم دارد از بخش های مختلف شبکه بازدید کند.

با ورود کارشناس - مجری برنامه و استاندارد، هماهنگی های لازم برای شروع برنامه آغاز می شود. ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه را نشان می دهد، علیرضا محمدی ضمن سلام و احوالپرسی با شنونده های همیشگی برنامه بحث روز، حضور سیدحسین هاشمی را اعلام می کند.

کارشناس - مجری برنامه در زمانی کوتاه و بدون مقدمه چینی و حاشیه وارد بحث با استاندارد می شود



درد و دل همراهان استاندارد و سایر عوامل برنامه ساز ... نیز این سمت اتاق شیشه ای داغ است.

محمدی با تأکید بر این که کاهش آلودگی تهران از مضامینی است که رفع آن خواسته هر شهروندی است، از استاندارد تهران درخواست راهکارها و تدابیری که وی برای کاهش این معضل اندیشیده است، می پرسد و هاشمی در پاسخ می گوید: باید همه دستگاه ها و سازمان های ذی ربط با تعامل نسبت به کاهش این مشکل اقدام کنند. استفاده نکردن از خودروهای تک سرنشین و خودروهای شخصی از رده خارج کردن خودروهای فرسوده می تواند راهکارهایی در جهت کاهش آلودگی هوا باشد. در تهران صنایع آلوده کننده بسیاری داریم که برخی از آنها به خارج از تهران منتقل شده اند و بقیه نیز باید منتقل شوند.

هاشمی در ادامه با پاسخ به پرسش کارشناس - مجری برنامه در خصوص بافت فرسوده نیز توضیح می دهد: روش های مدرن در ساخت و ساز سبب می شود در شرایط بحرانی همچون زلزله تاحدودی از میزان خسارات وارده بر ساختمان ها کاسته شود. به نظر من در تهران به جای برخی اقدامات در خصوص مسکن مهر، باید بافت های فرسوده اصلاح می شد.

تنظیم موج

برنامه گفت و گو محور بحث روز از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه تا ۱۴ و ۳۰ دقیقه با حضور کارشناسان و مسئولان به بحث و گفت و گو پیرامون یکی از مباحث مهم روز می پردازد. این برنامه موضوعات مورد نظر شنوندگان را برای طرح و بررسی در برنامه از طریق شماره پیامک ۳۰۰۰۹۵۱ و ۳۰۰۰۹۵۵ و radiotehran@irib.ir دریافت می کند.

اگر منابع را به سمت اصلاح بافت فرسوده هدایت می کردیم و ساختمان هایی با استحکام و مقاوم می ساختیم به نفع تهران بود.

علیرضا محمدی از سال ۷۰ کار خود را با گزارشگری و اجرا در صدا و سیما آغاز کرده است. او این بار نه تنها سوال نمی کند، بلکه باید پاسخگوی پرسش ها من باشد. محمدی در پاسخ به این پرسش که به چه دلیل پرسش هایی درخصوص آلودگی هوا یا بودجه استان تهران پرسیده شد، می گوید: با توجه به تعریفی که برای رادیو تهران داریم، مسلماً فضا باید فضای استان تهران باشد، استانی که بر کل کشور تأثیر می گذارد، بنابراین در این برنامه پرسش ها پیرامون بحث آلودگی هوا، آلودگی صوتی، نگاه به حمل و نقل عمومی راهبرد و راهکارهایی که ایشان به این مسائل خواهند داشت، بود.

وی ادامه می دهد: ساختار کلی برنامه بحث روز یک برنامه چالشی است. ما تعریف و تمجید نداریم، بلکه زبان گویای مردم هستیم. به طوری که می توان گفت با یک تماس تلفنی ممکن است مسیر برنامه تغییر کند.

وی معتقد است: مسئولی که ارتباط صمیمانه با رسانه دارد، هم حوزه خود را خوب می شناسد و هم مسئولی پاسخگوست، ما چنین مسئولی را خدمتگزاری می دانیم که افتخار خدمت به مردم است.

وقتی از محمدی درباره ویژگی های کارشناس - مجری می پرسم، توضیح می دهد: یکی از ویژگی کارشناس - مجری این است که اعتماد مردم را جلب کند. به نظر من کسی که پشت میکروفن می نشیند در وهله اول باید خوب گوش کند تا خوب و بجا بپرسد. مجری خوب کسی است که خوب حرف بزند. ما بلندگوی کسی یا نهادی نیستیم، اما معنایش این نیست که اقدامات و کارهای خوبی را که انجام گرفته است، نادیده بگیریم.

وقتی صحبت از اعتماد شد، از محمدی درباره راه های جلب اعتماد می پرسم و او می گوید: جامعه شناسان معتقدند بالاترین سرمایه اجتماعی، اعتماد مردم است. چون ما پل ارتباطی مسئولان و مردم هستیم و سعی می کنیم چنین نقشی را بدرستی ایفا کنیم. اگر حمل بر خودستایی نباشد قدمت و زمان پخش برنامه و ارتباطی که شنونده با برنامه دارد دلیلی بر این ادعاست. البته ناگفته پیداست ما هنوز ابتدای راه هستیم و اذعان می کنیم کم و کاستی های فراوانی داریم که امیدواریم همچون گذشته از نظرات ارزشمند صاحب نظران، اندیشمندان و متخصصان قشر فرهیخته جامعه بی نصیب نباشیم و برای ما این یک اصل است.

ادامه برنامه به طرح پرسش های کارشناسان و شنوندگان از استاندارد تهران اختصاص دارد. طرح مشکلات اساسی و مهم شهروندان در این برنامه، با استقبال خوبی روبه رو شده است. در یکی از قسمت های این بخش از برنامه، پرسش شنونده رادیو تهران درخصوص آلودگی آب پردیس پخش می شود که استاندارد تهران اعلام می کند اگر به این نتیجه برسیم که تخطی در این کار وجود دارد، با مسئولان مربوط برخورد جدی خواهیم داشت. در ادامه با توجه به زمان اندکی که باقی مانده، کارشناس - مجری برنامه بحث روز درباره ثبات قیمت ها در روزهای پایانی سال، قیمت میوه، گوشت و مرغ و البته ذخیره سازی آنها برای شب عید پرسش هایی مطرح می کند و استاندارد نیز پاسخ می دهد.



عکس ها: افروز پیراهن

وقوع حماسه در شمارش معکوس رادیو

ویژه برنامه تاریخی رادیو ایران به واکاوی سقوط رژیم پهلوی می پردازد

زهره زمانی

ایام سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، این روزها برای همه ایرانیان خاطره‌ها را زنده کرده و گرمای خاصی به فصل سرد بخشیده است. در استودیوی ضبط ویژه برنامه تاریخی رادیو ایران نیز این شور و گرما حس می‌شود. اینجا محل ضبط «شمارش معکوس» است که در آن چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران از نگاه کارشناسان و صاحب‌نظران بررسی می‌شود و در خلال آن به مسائل تاریخی منجر به انقلاب اسلامی (از سقوط سلسله قاجاریه، چگونگی قدرت‌گیری و ساختار سیاسی رژیم پهلوی و...) نیز پرداخته می‌شود. وقتی به محل ضبط برنامه می‌رسم ضبط شروع شده است. با اشاره دست محسن فراهانی (صدابدار)، علی پیری طهران‌بند کارشناس - مجری شمارش معکوس، برنامه را آغاز می‌کند و پس از نام و یاد خدا و سلام به شنوندگان، سوال هایش را از دکتر علی رجبلو، کارشناس برنامه می‌پرسد. این کارشناس نیز به طور مشروح و مبسوط به پرسش‌هایی که طرح آن در سالگرد پیروزی انقلاب برای مخاطبان رادیو جذاب است، پاسخ می‌دهد.

واکاوی یک سقوط

سعید سلیمانی، سردبیر و تهیه‌کننده برنامه با اشاره به این که طرح شمارش معکوس توسط دکتر رجبلو ارائه شده، می‌گوید: در این ویژه‌برنامه، عوامل سقوط سلسله

قاجار با تمام نقاط قوت و ضعفش بیان می‌شود. سپس وارد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضای میرپنج می‌شویم. بیان قدرت‌گیری او، تأسیس دودمان پهلوی و در نهایت پرداخت به ساختار حکومت پهلوی اعم از مسائل فرهنگی - سیاست خارجی، سیاست داخلی و وابستگی رژیم از مسائلی است که مطرح می‌شود که در این راه، خاطرات درباریان و اسناد ساواک در برنامه نقل و واکاوی می‌شود. به گفته سردبیر برنامه شمارش معکوس، در برنامه‌های مختلف، اسناد و حقایق تاریخی به صورت پازل کنار هم چیده می‌شوند و در برنامه آخر، به پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. نام این برنامه نیز توسط دکتر رجبلو انتخاب شده است و به شمارش معکوس سقوط رژیم پهلوی از سوم

تنظیم موج

رادیو ایران با برنامه شمارش معکوس کاری از گروه فرهنگ رادیو ایران به استقبال جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران رفته است. بخش این برنامه که رویکردی گفت‌وگومحور دارد، از بیست و یکم دی از ساعت ۱۳ (شنبه تا پنجشنبه هر هفته) از آنتن این شبکه رادیویی آغاز شده است.

گپ

بیان تاریخ از زبان بازیگران آن

دکتر علی رجبلو عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء، نویسنده، محقق، طراح و کارشناس برنامه شمارش معکوس نیز درباره این عنوان می‌گوید: شمارش معکوس، در حقیقت هم بیانگر سیر تطور لحظه‌ای و تاریخی سقوط رژیم پهلوی است و هم واکاوی سیر تاریخی رژیم پهلوی از زاویه‌ای خاص. با او گپی کوتاه زده‌ایم.

در برنامه شمارش معکوس، چگونه به فراز و فرودهای

رژیم پهلوی پرداخته‌اید؟

طبیعی است ما اینجا در جستجوی یک سیر تاریخی نیستیم. وقتی می‌خواهیم ریشه‌های وقوع انقلاب اسلامی را مطالعه کنیم، باید به بررسی و واکاوی سقوط رژیم پهلوی بپردازیم و دلایلی را که به ناتوانی این رژیم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تاریخی و روابط بین‌الملل انجامید و سبب شد پهلوی در مقابل انقلاب اسلامی زانو بزند، شناسایی کنیم؛ بنابراین ما در این برنامه سعی می‌کنیم نقاط حساس و مهم دوره پهلوی را مد نظر قرار دهیم تا شنونده برنامه با درک آنها، به دلایل تاریخی سقوط رژیم پهلوی پی ببرد. البته این فراز و فرودها تقدم و تاخر ندارد. به طور مثال وقتی ما می‌گوییم وابستگی، دیگر فرقی نمی‌کند محمدرضا پهلوی باشد یا رضاخان. اینها خود به خود در جریان آن مفهوم طراحی و بررسی می‌شوند.

با این رویکرد، شمارش معکوس تا چه حد نسبت به دیگر برنامه‌های تاریخی متفاوت است؟

رویکرد ما بیشتر حالت گزینشی دارد. درست است که روایت را از سوم اسفند ۱۲۹۹ شروع می‌کنیم، اما این به دلیل وقوع حادثه کودتای رضاخان است که به کمک انگلیسی‌ها شکل گرفت و سبب شد انگلیس بر شئونات سیاسی، اجتماعی و تاریخی ملت ایران مسلط شود. قصد ما بررسی سیر تطور تاریخی نیست بلکه درک موضوعاتی است که زمینه‌های سقوط پهلوی را به دنبال داشت. من از سال ۱۳۵۸ تاکنون در زمینه تاریخ تحولات سیاسی رژیم پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی، مطالب گسترده‌ای را در رادیو و تلویزیون بیان کرده‌ام و نویسنده، محقق، کارشناس، مشاور، تهیه‌کننده، سردبیر و مجری - کارشناس برنامه‌های مختلف سیاسی و تاریخی در رادیو و تلویزیون بوده‌ام، بنابراین تلاشم بر این بود تا در برنامه شمارش معکوس، این مقطع تاریخی را از زاویه‌ای تقریباً جدید بررسی کنیم. در واقع ما موضوعاتی مثل وابستگی و دست‌نشاندهی، فساد دربار و... را در نظر گرفته‌ایم و بعد به جای آن که به تحلیل تاریخی این موضوعات بپردازیم، سعی می‌کنیم از زبان بازیگران واقعی آن صحنه‌های تاریخی (براساس اعترافات) که کرده‌اند و مطالبی که نوشته‌اند) یا براساس مستندات که در تاریخ ایران وجود دارد، (مثل اسناد ساواک، وزارت خارجه آمریکا، اسناد انگلیس و دیگر اسناد محرمانه که بعد از گذشت سال‌ها،



منتشر شده‌اند) وقایع و قضایا را مرور کنیم.

درواقع شمارش معکوس، روی مشارکت مخاطب به‌عنوان یک ویژگی حساب باز کرده است؟

بله، ما با در کنار هم قرار گرفتن اسناد و منابع، قضاوت را به مخاطب واگذار کرده‌ایم و در واقع، مشارکت فعالانه مخاطب را هدف گرفته‌ایم.

این رویکرد، لحن اجرایی برنامه را هم متفاوت کرده است؟

بله، لحن ماحالت مستندنگاری دارد. یعنی ما از خودمان چیزی را نمی‌گوییم و تحلیلی ارائه نمی‌دهیم. وقتی خودتان در مقام تحلیل قرار نمی‌گیرید و قضاوت نمی‌کنید، مخاطب روی شما حساس نمی‌شود چون ارزشگذاری نمی‌کنید و به ارزش‌های مخاطب احترام می‌گذارید و مخاطب شما مجموعه‌ای از اطلاعات واقعی را دریافت می‌کند. اطلاعاتی که از زبان بازیگران آن عرصه بیان شده است.

شب‌نشینی باشکوه

رضوان اناری

کسانی که شب‌ها بیدار می‌مانند، می‌دانند که وجود برنامه‌ای مناسب شبانه مثل برنامه رادیویی «تهران در شب» چقدر غنیمت است؛ برنامه‌ای که آرامش شبانه را به همراه دارد و شنوندگانش را مهمان شکوه شبانگاهی می‌کند.

تهران در شب با داشتن بخش‌های مختلف، ارتباط مناسب با مخاطب، زمان کافی، بخش‌های هنری و فرهنگی و البته اجرای مناسب، ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند عنوان یک برنامه مناسب شبانه را به خود اختصاص دهد.

مهم‌ترین ویژگی‌ای که می‌تواند یک برنامه خوب شبانه را از بقیه برنامه‌ها متمایز کند، ریتم مناسب ساعات پایانی شب است. بهره‌گیری از موسیقی‌های ملایم و به دور از ریتم تند، بارزترین نکته در حفظ آرامش شبانه همراه با حفظ سکون طبیعی بدن و سکوت فضا در این ساعات از شبانه روز است.

این ویژگی زمانی بارزتر می‌شود که یک برنامه شبانه از موسیقی‌های نامناسب و با ریتم تند استفاده کند و مخاطب را از ریتم طبیعی‌اش دور کند، اما تهران در شب علاوه بر استفاده از موسیقی مناسب، با به‌کارگیری موسیقی اقوام مختلف ایرانی نه تنها به برنامه خود تنوع، بلکه غنای موسیقایی هم اضافه کرده است.



این تنوع در کنار تنوع تیم برنامه و اجرا در هر شب، ویژگی‌های منحصربه‌فردی به یک برنامه رادیویی می‌دهد و باعث می‌شود از افتادن به دام تکرار که بیشتر برنامه‌های روتین گرفتار آن هستند، جلوگیری کند.

اطلاعات هنری، فرهنگی و اجتماعی نیز با توجه به نیاز مخاطبان و از سوی کارشناسان خبره در هر حوزه که در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد، نقطه قوت دیگر برنامه تهران در شب است. تهران در شب، بسته مناسب شبانه‌ای را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد که بخوبی از امکانات رسانه‌ای مثل رادیو استفاده کرده و نشان می‌دهد سازندگان آن علاوه بر آشنایی با نیازها و سلاقی مخاطبان هدف خود به ویژگی‌های رسانه شنیداری رادیو هم وقوف داشته و توانسته‌اند برنامه‌ای در خور توجه در رسانه ملی تولید کنند.

تنوع موضوعی هم به جذب مخاطبان برنامه رادیویی تهران در شب کمک کرده است. موضوعات مختلفی که هر شب در برنامه ارائه می‌شود، پویایی مخاطب و حضور پررنگ‌تر آنها را در این برنامه شبانه به همراه دارد.

همه این موارد در کنار هم باعث شده، تهران در شب به برنامه‌ای ویژه و مخاطب‌پسند تبدیل شود؛ مخاطبان فرهیخته‌ای که رادیو را برای شنیدن انتخاب کرده‌اند.

تهران در شب نشان می‌دهد تولید مناسب برنامه‌های شبانگاهی و ساعات اولیه بامداد می‌تواند باعث جذب مخاطب شود، چون هر قدر یک برنامه جدید و پویا مخاطبان را به خود جلب می‌کند، پخش برنامه‌های تکراری و آنتن پرکن در ساعات غیر پیک، مخاطبان را از این برنامه‌ها و در مرحله بعد از رسانه فراری می‌دهد.



مسئولان شرکت رین مارک فیلمز می گوید: «طی همین چند روزی که خبر تولید تاریکی پخش شده، تماس‌های زیادی داشتیم که می‌خواستند اطلاعات تازه‌ای درباره کم و کیف آن داشته باشند. البته این موضوع از یک جهت باعث خوشحالی است و نشان می‌دهد علاقه و حساسیت زیادی نسبت به این پروژه وجود دارد، اما واقعیت این است که احساس می‌کنیم برای ارائه جزئیات درباره کار کمی زود است، اما باید به این نکته مهم اشاره کنم که همکاری با فیلمساز بسیار مستعدی مثل استیو مک کوئین برای ما هیجان‌انگیز است. خیلی جالب است که این هنرمند انگلیسی در چنین مدت کوتاهی به یکی از مطرح‌ترین فیلمسازان جهان تبدیل شده است.»

با وجود اطلاعات ندادن تهیه‌کنندگان مجموعه، مک کوئین به این مساله اشاره می‌کند که مایل است قصه درام او در غرب لندن (جایی که خود او به دنیا آمده و بزرگ شده) اتفاق بیفتد. او فیلمنامه تاریکی را براساس خاطرات خود و دوستان سیاهپوست خود و خانواده‌هایشان می‌نویسد. این قصه از دهه ۶۰ میلادی تا زمان حال را دربر می‌گیرد و البته حال و هوایی شرح‌حال گونه نخواهد داشت. این هنرمند سی و پنج ساله قصد دارد قصه ضد تبعیض نژادی تازه‌اش را به زبانی حماسی تعریف کند و به تصویر بکشد. مک کوئین اظهار امیدواری کرده طی چند ماه آینده (و تا قبل از پایان فصل تابستان پیش رو) بتواند کار تولید آن را آغاز کند. او از هم‌اکنون کار انتخاب بازیگران مجموعه تلویزیونی خود را نیز آغاز کرده است. در عین حال، وی به نکته مهمی هم اشاره می‌کند. به گفته او: «تا به حال صنعت تلویزیون انگلستان هیچ وقت به صورت جدی سراغ تولید مجموعه‌ای درام درباره سیاهان انگلستان نرفته و مسائل و مشکلات آنها را به صورت جدی (و البته با زبانی هنری) به تصویر نکشیده است. شما نمی‌توانید یک سیاهپوست را پیدا کنید که شخصیت اصلی یک مجموعه تلویزیونی انگلیسی باشد و به بیان مسائل این قشر بپردازد. امیدوارم مجموعه‌ها راه را برای تولید این نوع درام‌های جدی تلویزیونی باز کند و در آینده شاهد پخش تعداد بیشتری مجموعه در این رابطه باشیم.»



نمایی از فیلم دوازده سال بردگی

سیاهان به تلویزیون می‌آیند

اسکرین اینترنشنال / مترجم: کیکاووس زیاری

منابع نزدیک به پروژه می‌گویند بحث تولید آن تازه چند روز است آغاز شده و همه چیز در مراحل ابتدایی و اولیه قرار دارد. کار نگارش فیلمنامه بزودی آغاز می‌شود و استیو مک کوئین نویسنده اصلی آن است. حدود سه فیلمنامه‌نویس دیگر تلویزیونی وی را در نگارش فیلمنامه همراهی خواهند کرد. شنیده‌ها حکایت از آن می‌کند که تاریکی در یک فصل ۱۳ اپیزودی تهیه می‌شود و قرار نیست صاحب فصل‌های بعدی شود. در هر قسمت مجموعه، یک قصه مستقل با حضور شخصیت‌های مستقل و تازه تعریف می‌شود. اما قصه فیلمنامه چند شخصیت محوری دارد که در همه اپیزودهای آن حضور خواهند داشت. اما هر چه قصه مجموعه جلوتر می‌رود، شخصیت‌های تازه وارد نقش مهم‌تری در هر اپیزود به عهده گرفته و شخصیت‌های اصلی در حاشیه ماجرا قرار می‌گیرند.

استیو مک کوئین در ارتباط با حال و هوای مجموعه تلویزیونی خود می‌گوید: «در انگلستان هم مثل بسیاری از کشورهای جهان، اقلیت‌های قومی و مذهبی وجود دارند. آنها در طول زندگی خود با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند و رنگ پوست آنها مثل یک عامل ترمز کننده عمل می‌کند. همیشه در فکر آن بودم که مشکلات سیاهپوستان جامعه انگلستان را به صورت جدی و کامل به تصویر بکشم. بعد از کارگردانی ۱۲ سال بردگی و موفقیت‌هایی که کسب

استیو مک کوئین، فیلمساز متری و سیاهپوست انگلیسی که «۱۲ سال بردگی» او نامزد دریافت جوایز اصلی مراسم اسکار و بفتاست، با تلویزیون انگلستان همکاری خود را آغاز می‌کند. رسانه‌های گروهی این کشور می‌نویسند شرکت فیلمسازی رین مارک فیلمز با همکاری شبکه بی.بی.سی در تدارک تولید یک مجموعه درام و پر تنش اجتماعی به کارگردانی مک کوئین است. این درام با نام موقت «تاریکی» جلوی دوربین می‌رود و مسئولان شبکه بی.بی.سی، خبر تولید آن را به صورت رسمی تأیید کرده‌اند. این شبکه روی درام و اجتماعی بودن مجموعه تأکید زیادی کرده است و می‌گوید حال و هوای آن شبیه فیلم‌های سینمایی مطرحی خواهد بود که قبل از این توسط مک کوئین کارگردانی شده است. تا به حال مشخص شده تبعیض نژادی مضمون اصلی مجموعه تاریکی خواهد بود. بر همین اساس، قصه مجموعه به بحث و بررسی درباره موقعیت و وضعیت خانواده‌های سیاهپوست در کشور بریتانیا می‌پردازد. هنوز اطلاع بیشتری از خط اصلی قصه مجموعه در دست نیست و سازندگان در ارتباط با این موضوع سکوت کرده‌اند. البته آنها قول داده‌اند در آینده نزدیک، اطلاعات بیشتر و کامل‌تری از این مجموعه را در اختیار رسانه‌های گروهی و علاقه‌مندان خواهند گذاشت.

آگهی تبلیغاتی خبر ساز

آسیایی آغاز کردند. طی این مدت نوع برنامه‌سازی این شبکه‌ها و پخش برخی مجموعه‌ها و برنامه‌ها از سوی این شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، باعث اعتراض برخی گروه‌ها و جریانات ملی و مذهبی شده است. برای مثال، مدتی پیش یکی از همین شبکه‌های خصوصی به دنبال اعتراض تعدادی از چهره‌های مذهبی و روحانی، پخش فیلم‌های هندی را محدود کرد.

این آگهی تبلیغاتی تلویزیونی، واکنش‌های متفاوتی را بین رسانه‌های گروهی برانگیخته است و هر گروه و دسته‌ای با توجه به دیدگاه‌های خود، اظهارنظرهای متفاوتی در این ارتباط کرده‌اند. برخی از رسانه‌های گروهی می‌نویسند در رابطه با تبلیغات تلویزیونی و آگهی‌های مربوط به آن، باید ستاد ویژه‌ای تشکیل شود تا بر این کار نظارت و چارچوب‌های کاری را تعیین و مشخص کند. به گفته آنها، تا وقتی چنین کاری صورت

نگیرد، شبکه‌های دولتی و خصوصی تلویزیونی در افغانستان با چنین مشکلاتی روبه‌رو خواهند بود. برخی تحلیلگران تلویزیونی و هنری هم به بهانه اتفاق اخیر، خواستار تدوین اساسنامه‌ای هستند که براساس آن، حد و حدود فعالیت شبکه‌ای خصوصی تلویزیونی و رادیویی تعیین شده به دنبال سرنگونی طالبان در افغانستان و باز شدن فضای جامعه، بیش از ۱۵۰ ایستگاه رادیویی و ۲۰ شبکه تلویزیونی، فعالیت خود را در این کشور



نکرده و خواهان اضافه شدن چند بند به آن است، می‌گوید پخش چنین آگهی تلویزیونی به نفع منافع ملی کشور نیست و استقلال آن را به خطر می‌اندازد. شبکه‌های خصوصی تلویزیونی افغانستان برای پخش این آگهی چند دقیقه‌ای پول زیادی گرفته بودند. مسئولان دولتی به اطلاع مدیران این شبکه‌ها رسانده‌اند که در صورت پخش مجدد این آگهی، امتیاز کار و فعالیت آنها لغو خواهد شد. لغو پخش

پخش یک آگهی تبلیغاتی سیاسی تلویزیونی در افغانستان، سروصدا به پا کرد. این آگهی تلویزیونی که در ارتباط با نظر مثبت مردم افغانستان در ارتباط با امضای توافق نامه امنیتی آمریکا و افغانستان است، از سوی ناتو تهیه شده بود و چند شبکه خصوصی تلویزیونی آن را پخش می‌کردند، اما با اعلام نظر مخالف دولت افغانستان، پخش این آگهی متوقف شد. دولت افغانستان که هنوز این توافق نامه را امضا

قاب‌تقویت

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد القدير روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.